



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



در نهضت

امام حسین علیه السلام

ولی الله اردشیری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین علیه السلام

نویسنده:

ولی الله اردشیری

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین (ع)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	حماسه حسینی
۱۴	نیاز جوامع بشری به امر به معروف و نهی از منکر
۱۷	مهم ترین وظیفه و مسئولیت عالمان وارسته دین
۱۹	جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی و سخنان امام حسین
۲۱	قرآن کریم و جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر
۲۶	قیام عاشورا پشتوانه امر به معروف و نهی از منکر
۳۰	امر به معروف و نهی از منکر در نظرگاه امام حسین
۳۴	امر به معروف و نهی از منکر فریاد بلند بیداری
۳۷	نکته ها در خطبه بیداری
۴۱	عالمان هادیان امت
۴۷	مسئولیت عالمان وارسته در برابر بدعت گزاران دین
۵۲	دو مشخصه بارز عالمان متعهد
۵۴	خطرناکترین آفت
۵۴	اشاره
۶۲	خطر عالمان غیر متعهد
۶۲	اشاره
۶۵	سه نکته درباره خطر عالمان نامتعهد
۷۱	نقش برجسته آمران به معروف و ناهیان از منکر
۷۳	عزت ما در گرو نهضت حسینی
۷۴	امام حسین مدافع بزرگ امر به معروف و نهی از منکر

نتیجه گیری ..... ۷۸

درباره مرکز ..... ۸۴

## جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین (ع)

### مشخصات کتاب

نام نویسنده : ولی الله اردشیری

ناشر : ولی الله اردشیری

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۰-۰

نوع جلد : شومیز

قطع : رقعی

### مقدمه

در بررسی و تحلیل عوامل و انگیزه های قیام کربلا به منظور دست یابی به علت نخستین و بنیادین به عامل و انگیزه شاخص و مهمی به نام «امر به معروف و نهی از منکر» برمی خوریم سید الشهداء حسین بن علی (ع) در وصیت نامه خویش بر این عامل تام و انگیزه والا تاکید می ورزد و هدف اصلی خود را از مخالفت با دستگاه خلافت مبتدل یزید، امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با ظلم و جور و فساد و خیانت و بدعت ها و انحراف هایی که از همه سو، جامعه اسلامی را به محاصره در آورده و مردم را از راه روشن و صائب دین به بی راهه های فسق و گمراهی راه نمون می کردند، معرفی می نماید. امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی علت العلل قیام مقدس کربلاست و این به دلیل جایگاه رفیع این عنصر در حرکت تاریخی امام حسین (ع) و نقش بنیادین آن در به ثمر نشستن آن جهاد مقدس است لذا اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را از منظر امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) ابو جحیفه که از نیکان اصحاب امام (ع)، دوست و مورد اطمینان او بود از حضرت امیر (ع) روایت نموده که آن حضرت درباره امر به معروف و نهی از منکر چنین فرمود: «اول چیزی که از آن مغلوب می گردید و شکست می خورید (بر اثر بدبختی و دور ماندن از رحمت الهی از شما گرفته می شود)، جهاد، (زد و خورد) با دستهایتان است (که با کفار و مشرکان

نمی جنگید و حدود خدا را بر فاسقان و ستمکاران و گناهکاران اجرا نمی نمائید و آنان را تعزیر و تأدیب نمی کنید). پس از آن جهاد با زبان هایتان است (که معاصی و زشتی ها را می بینید و می شنوید و ندیده و نشنیده می انگارید). پس از آن جهاد با دل هایتان است (که با ستم کاران و بدکاران سود رسان دوستی و احترام نموده و با پرهیزگاران و نیکان تهی دست بی اعتنایی کرده دوری می گزینید). پس کسی که به دل کار شایسته را نشناخت و ناشایسته را انکار نمود (و نیکوکاران را دوست نداشته و بدکاران را دشمن ندانسته که این کار در باب امر به معروف و نهی از منکر اقل واجب است ، وارونه گشته و سرش پایین و پایش بالا خواهد شد. (در دنیا آسایش نداشته سرگردان می شود و در آخرت نیک بختی را از دست داده به کیفر همیشگی گرفتار می گردد)).»

### حماسه حسینی

رخداد حماسه و نهضت عاشورای حسینی آینه عزت و افتخار و واقعه ای است بی نظیر که تاریخ اسلام و تاریخ بشریت بدلی برای آن سراغ ندارد. جایگاه بلند امر به معروف و نهی از منکر، در قالب عاشورا، که نقطه آغاز هزاران حماسه و نهضت مشابه حسینی در تاریخ و فرهنگ بشری آن را به صورت رویدادهای جاودانه درآورده است که همچون نگین درخشانی بر تارک تاریخ های جهان می درخشد. با وجود دستان تحریف گری که در طول چهارده قرن در صدد تحریف حقیقت ارزش های نهضت حسینی (ع) برآمده اند آنچه از عاشورا و در پس آن هزاران عاشورای دیگر برای ما به یادگار مانده از چنان عمق و غنایی برخوردار است که فرجام تاریخ پیام آور ارزش های والای انسانی و الهام بخش انسان های آزاده و



خداجو خواهد بود. فلسفه و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر دیرباز مظهر عشق به خداوند و تسلیم محض در برابر او و سمبل قیام در راه دین و برچیدن شرک و تمامی خواهان ستمگر و جنایت پیشه گان فاسدی است که به جز ترویج هوا و هوس و ابتدال به چیز دیگری نمی اندیشند. در مقابل آنان شاهدان شهادت طلبی که از هیچ نیزه و کمانی نمی هراسند، زینده ورق به ورق تاریختند؛ بزرگ مردانی که به حماسه و نهضت حسینی اقتدا کرده اند و دل به عاشورا باخته اند. بدانیم که از واقعه معطر کربلا تا امروز و فرداها سینه های جوان مردانی در حراست دین خدا و اسلام و قرآن آماده جان فشانی بوده و خواهد بود، تا اسلام محمّدی (ص) و حسینی (ع) بر تارک آسمان جهان زنده و جاودانه بماند. همه ما مسلمانان از شیعه و سنی به رسالت ارزشمند امر به معروف و نهی از منکر کاملاً آگاهیم جدا سازی حق از باطل و عدل از ظلم به منظور پایداری حق و عدل و نابودی باطل و ظلم همواره رسالتی عظیم است و عاشورای عظیم تجلی تام این رسالت است: عاشورا دست بلند همت آمران به معروف و ناهیان از منکر است که از افق شهادت کربلا بر آمد و تا قله خورشید فرا رفت تا همواره بر فراز تاریخ بماند و سیاهی های جاهلیت از نو جان یافته را در همه ابعاد الحاد و فجور و ضلالت و بی خبری از چهره خورشید اسلام و قرآن فرو شوید. عاشورای حسینی فریادی از تمامی مظلومیت اباعبدالله الحسین (ع) است که برای اجرای فرمان های حضرت رسول (ص) در بنیان نهادن امر به

معروف و نهی از منکر، به آسمان برخواست و برای همیشه خواب غفلت را از سرهای شور گستران آبادی ها و افق ها بیرون کرد. فلسفه امر به معروف و نهی از منکر هجای بلندی بود که در روز عاشورا و در نهضت کربلای حسینی برای همیشه حق را از باطل جدا ساخت تا دیگر یزیدیان عصرها، نتوانند با اسلام جاهلیت را زنده کنند. اگر صدای رسای مظلومیت امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) نبود، عاشورا نبود، و اگر عاشورا نبود، اسلام نمی ماند، و اگر اسلام نمانده بود تمدن اسلامی پدید نمی آمد. نهضت حسینی و حماسه عاشورا، نشان افتخار است که تاریخ آن را به سینه اسلام آویخته است و مشعل جاوید هدایت گشته که تاریخ آن را بر سر راه فرزندان اسلام قرار داده است و این فرزندان اسلامند که باید آن را زنده بدارند و مراسم عاشورا را با یاد کرد اهداف والای آن برگزار کنند و از مکتب انسان ساز و مجاهد پرور عاشورا پیوسته بهره مند گردند. حرکت نهضت حسینی و حماسه عاشورا پایه های مستحکم آمران به معروف و ناهیان از منکر است که با آیه آیه قرآن عزیز، عجین گشته است حرکتی که فرزند متقی و رشید و آگاه پیامبر (ص) در راه احیای امر به معروف ها و زدودن چهره اسلام از منکرات حتی از جان عزیز و والایش دریغ نوزید، همان زنده کردن قرآن و فعال ساختن ارزش های فراموش شده اسلام بود که با شهادتش و با قطرات خون عزیزانش گویا دوباره اسلام روح و جان تازه ای به خود گرفت و از نو پدیدار گشت یزید مظهر همه منکرات و ضد ارزش ها بود و حماسه امام

حسین (ع) و یارانش مظهر همه معروف ها و ارزش ها و در کارزاری عجیب پرچم دار بزرگ ارزش ها با خون خود و اهل بیت معظمش همه ضد ارزش ها را محکوم کرد. هر قطره ای از اقیانوس نهضت حسینی در عاشورا یک شعور ناب قوی و یک محتوای ژرف غنی و یک مکتب آموزنده انسانی و یک ترتیل خون بار آیات قرآنی و یک سجده مترنم نورانی و یک سیال حیات آفرین اخلاقی و یک حماسه پویا در مسیر صیوروت های بلند آهنگ بشری است حماسه و نهضت حسینی و عاشورای اباعبدالله (ع) ضربان قلب خورشید است در سینه خاک حماسه روز عاشورا، بعثت را زنده کرد، نهضت حسینی برای همیشه محتوای غدیر را در معبر اعصار بشر، به فریاد خواند. واژه های عاشورا، فقط تشنگی شهادت و اسارت نیست نماز و عدالت و عزت و افتخار تمام تاریخ نیز هست بلکه واژه های اصلی همین چهارتاست نماز، واژه شب عاشورا و عدالت واژه روز عاشورا است و عزت پیام نهضت های مکرر جهان اسلام بعد از عاشورا و افتخار یعنی داشتن رهبران دینی درانقلاب ها و به خصوص در نظام مقدس اسلامی که ناب ترین رهبران هم چون خمینی و خامنه ای عزیز که از طرف خدا بر ما منت نهاده شد، تا تشنگی شهادت و اسارت را سکوی پرتاب جایگاه امر به معروف و نهی از منکر بدانیم و در اجرای آن از هیچ کوششی دریغ نوزیم تاریخ گواهی می دهد که ای حسین (ع)! تو، به اجرای قسط و عدل فرمان دادی و جامعه اسلامی را به ناب ترین معروف ها به فرمان عدالت علوی فراخواندی و تو راست گویی و صدیقی و به هر چه فراخواندی صادقانه با خون خود

و یاران عزیزت به مهر تأیید رساندی عاشورا، شهادت پسر پیامبر، اسارت دختران پیامبر و آواره گرداندن آنان در شهرها و بیابان‌ها و حاضر نمودن آنان با غل و زنجیر در دربار ابن زیاد و کاخ سبز دمشق در حضور حاضران مجلس یزید، به همراه اظهار شادمانی از فتح و پیروزی و غلبه بر فرزندان پیامبر، چرا و برای چه این سؤالی بود که افکار را به خود مشغول می‌داشت و سینه‌ها را می‌جوشاند. تا خطبه‌های علی وار بانوی قهرمان کربلا و سخن رانی ولی خدا که «ماییم فرزندان مکه و منا، زمزم و صفا و مروه ماییم فریاد گران راستین اذان و حاملان جاوید قرآن و اهل بیت رسول خداییم» بدین گونه بود که افعال و فلسفه بنیادین امر به معروف و نهی از منکر در عاشورا از مرز شهادت و اسارت گذشته بود و بر فراز قله جاودان رسالت جای گرفت رسالت احیای قرآن و نجات انسان سنت نبوی و پیام رسول خدا (ص). حماسه نهضت حسینی و قیام عاشورا دوباره حق نزول و قرآن را بازسازی کرد و سیاهی‌های متراکم منکر جاهلیت را زدود. و نجات معروف‌ها را از همه تمهیدهای الحادی و حذف‌های تعبیه شده اموی تضمین نمود. قرآن یک بار دیگر با حنجره آمران به معروف‌ها در عاشورا تلاوت شد تا هیچ‌گاه فراموش نگردد، و فراموش نمی‌گردد، تا وارث کبیر عاشورا، بار دیگر آن را تلاوت کند و احکام فراموش شده آن را عملی گرداند، زندگی‌ها را تطهیر کند و زندگی قرآنی را نمودار سازد و معنای حکومت اسلامی را نشان دهد. حماسه و نهضت حسینی نه حادثه‌ای مانده در مقطعی از زمان و

محدوده ای از مکان است و نه حرکتی در اندازه و معیارهای حرکت های مادی که هم ماندگاری آنان محدود است و هم تأثیر گذاری آن ها، بلکه پایداری معروف است که در فرهنگ اسلامی و در دل تاریخ به یادگار مانده است و خود دارای فصل ها و عناصر متعددی است که ماندگاری آن و تأثیر نامحدود و انکارناپذیرش در طول زمان ها و مکان ها را موجب شده است لذا ائمه هدی (ع) و مصلحان و علما و بزرگواران و منادیان دینی نام و یاد واقعه و رخ داد جوشان و خروشان نهضت حسینی را در بیزاری از دشمن به معروف های جاودانه ای مبدل نمودند که بر اثر آن بیداری ملت های مسلمان معرفت دینی عشق به ولایت شجاعت و فداکاری و هزاران شعله فروزان و گرمابخش و نورانی دیگر را در دل ها ساطع کردند و سعادت انسانی را در زنده نگه داشتن یاد این نهضت به چه تلاش های طاقت فرسایی تا سرحدّ شهادت خود به جای گذاشتند و اگر امروز درخشندگی ها و کمالات و کرامات در میان انسان ها مانده است و تاریخ را، ارزش نگریستن و نگاه داشتن می دهد، از برکت واقعه عاشورا و حماسه نهضت حسینی و سرزمین کربلاست و زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و فداکاری مردان اندک کربلا، زنده نگه داشتن اسلام ناب محمدی (ص) است در این عصر بر هر مسلمان فرهیخته است که اگر خواهان بیمه نمودن اسلام و قرآن است با تمام اخلاص جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در قیام عاشورا و نهضت حسینی فراموش نکند که رفتن ارزش ها همانا در غفلت از امر به معروف و نهی از منکر در تمامی وجوه زندگی

است نکند مکر بنی ساعده تکرار شود که علی در قفس خانه گرفتار شود. زینبی کو تا بگرید زار بر نعش حسین یا حسین آیا کسی جز تو مکرر کشته شد؟

### نیاز جوامع بشری به امر به معروف و نهی از منکر

تأثیر نقش عنصر امر به معروف و نهی از منکر، در قیام امام حسین (ع) و نهضت عاشورا، ضرورت تعمق در میزان تأثیر گذاری اش در به ثمر رسیدن نهضت کربلا است امر به معروف به دعوت و داشتن مردم به نماز و روزه و خمس و زکات و راستی و صلاح و عفاف و امثال این ها محدود نمی شود، بلکه همه کارها و اعمال نیک و پسندیده و مفید و ارزش های والای الهی را شامل می گردد. از جمله دعوت مردم به جهاد و مبارزه با ظلم و فساد و استثمار و از بین بردن زمینه های هر نوع تعدی و تجاوز و ستم و غارت و چپاول و نیز کوشش جهت برقراری قسط و عدل در جامعه با تشکیل حکومت و نظام سیاسی مقتدر و الهی همه در فضای گسترده ای که این قانون بزرگ الهی ایجاد می کند، مطرح و مورد توجه و عمل قرار می گیرد. نهی از منکر در بازداشتن مردم از قمار، شراب زنا، دروغ غیبت تهمت ربا، احتکار و امثال این ها منحصر نمی گردد. بلکه این نهی و بازداشتن ها جزئی از وظیفه و فریضه نهی از منکر محسوب می شود و مقابله با حکم رانان ظالم و ستم گر و بازداشتن آنان از استبداد و تجاوز و جور و فساد نیز نوعی نهی از منکر به شمار می رود. و نیز مبارزه با قدرت های سلطه گر که در پی گسترش سیطره سیاسی اقتصادی نظامی و فرهنگی بر جامعه های بشری هستند و برای نیل به مقاصد

پلید خویش از ارتکاب هیچ جنایتی فروگذاری نمی کنند، جزئی از نهی از منکر محسوب می شود و از مهم ترین جلوه و نموده‌های این قانون الهی به شمار می رود. نگرش اساسی به دیدگاه های ژرف حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، اهمیت خاص و نقش حیاتی و تعیین کننده این فریضه الهی را در اصلاح و اعتلای جامعه سلامت و سعادت مردم تضمین پاکی عفاف سالم سازی محیط اجتماعی زدودن آثار بزه و گناه و ظلم و جور می نمایاند. در بررسی این دیدگاه ها مشخص می شود که چرا و چگونه عنصر امر به معروف و نهی از منکر علت العلل قیام خونین کربلا محسوب می شود و سیدالشهدا (ع) به صراحت فلسفه اصلی حرکت پرشور خویش را در مخالفت و مبارزه خونین با خلافت یزید، این عامل و عنصر می داند و در مراحل مختلف نهضت مقدس خویش به امر به معروف و نهی از منکر اشاره می کند. امام حسین (ع) ابتدا در مذمت ترک فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه از سوی صاحبان علم و آگاهی چنین می فرماید: «عبرت بگیرید، پند پذیرید، نیکو بنگرید که پروردگار متعال درباره کسانی که از امر به معروف و نهی از منکر خودداری و کوتاهی می کنند چه فرموده است قرآن کریم احبار و ربّانی ها را مورد ملامت و سرزنش قرار داد. می فرماید: (لولا ینهاهم الرّبانیون و الاحبار عن قولهم الاءثم و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یصنعون. اگر علی و روحانی ها، آنان را از گفتار زشت و خوردن حرام باز ندارند بلکه با آنان به خوردن مال حرام و رشوه شرکت کنند، کاری بسیار زشت می کنند. و در همین سوره قرآن کریم بیان می فرماید که (لعن

الذین کفرو امن بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون کانوا لایتناھون عن المنکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون؛ کافران بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی بن مریم از آن جهت لعنت شدند که نافرمانی خدا نمودند و از حکم حق سرکشی کردند. آنان هیچ گاه از کار زشت خود - با آن همه پند و اندرز رسولان حق دست برداشتند و چه قدر آنچه می کنند، قبیح و ناشایسته است این خودداری و امتناع و سکوت و سکون را عیب شمرده و آنان را که در برابر مظالم و منکرات اجتماع لب از امر به معروف و نهی از منکر فرو می بندند، مسئول و محکوم دانسته است ربائون و احبار که پیشوایان و ائمه قوم بوده اند، پادشاهان را از ستم و تعدی نهی نمی کردند، از نزدیک به ظلم و تیره بختی مظلوم می نگریستند، اما برضد ظلم و ظلمه قیام نمی کردند. همواره سکوت می نمودند، این سکوت بیشتر برای هدایا و مزایایی بود که از مصادر ظلم به ربائون و احبار تقدیم می شد، و گاه به اسم تقیّه و پرهیز نامی بر آن می گذارند، ولی در هر صورت سکوت ربائون و احبار گناهی عظیم شمرده می شد. پروردگار متعال در قرآن مجید چنین تقیّه و پرهیز را گناه می شمارد: «فلاتخشوا الناس و اخشونی؛ از هیچ کس نترسید و از انتقام من بترسید. قرآن کریم از کسانی که به معروف امر و از منکر نهی می کنند، چنین یاد فرموده (المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینہون عن المنکر)؛ مردان و زنان مؤمن یاور و دوست دار یک دیگرند و خلق را به



کارهای نیک دعوت و از کارهای زشت منع می کنند. با توجه به آیات فوق خداوند متعال آشکارا امر به معروف و نهی از منکر را فریضه و واجب خوانده و دستور داده که بندگان آگاه وی از این دو تکلیف حساس شانه تهی نمایند و به وظیفه خویش قیام کنند.

### مهم ترین وظیفه و مسئولیت عالمان وارسته دین

اباعبدالله الحسین (ع) در جمله ای از خطبه خویش از احبار و ربائون یعنی عالمان دین که در گذشته در انجام وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر قصور و کوتاهی می ورزیدند و ظلم پیشگان را از عمل شنیع و ننگینشان باز نمی داشتند، سخن روان و شیوایی به میان می آورد، که در این بخش روشن تر بیان شده است عالمان دین در هر عصری به دو دسته تقسیم می شوند: دسته اول آنانند که در آیات اشاره شده در خطبه سید الشهداء (ع) از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر که مهم ترین وظیفه و مسئولیت آنان بود، کوتاهی می کردند و به رسیدگی به امور مردم و تلاش و مبارزه برای رهایی و نجات و رستگاری آنان با ظالمان و قدرت های ستم پیشه به مرافقه و مجالست می پرداختند و توجیه گر ظلم و فساد و جنایتشان می شدند. دسته دوم عالمان وارسته و مسئول که خود را در برابر دین خدا و توده های مردم جامعه وظیفه مند و دارای مسئولیت های سنگین هدایت و راه یابی و مقابله و مبارزه با ظلم و فساد و گمراهی می دانستند و لحظه ای در انجام تکالیف الهی خود قصور و تسامح روا نمی داشتند. قرآن کریم از این عالمان آگاه و مسئولیت پذیر این گونه یاد می کند: «کسانی که رسالتهای خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند، و از هیچ

کس جز او بیم به دل راه نمی دهند، و خدا خود، برای حساب رسی بسنده است» و در آیه ای دیگر می فرماید: هر آینه از میان بندگان خدا، عالمان و دانشوران از او می ترسند و در برابرش خاشع هستند. صفت و شاخص بارز عالمان صالح و پاک «خشوع و ترس در برابر خداوند قادر متعال است خوف این بندگان در برابر عظمت حضرت پروردگار با مشاهده آثار شگرف او، در آفرینش و شناخت و معرفت اصیل نسبت به ذات و صفات و اسماء او صورت می پذیرد و آنان هر چه در ایجاد ارتباط معنوی با مبدء وجود، بیشتر توفیق به دست می آورند و در انس و تقرب به او مراحل بالا-تری را پشت سر می گذارند و روح و روانشان را از مناجات با او سیراب می سازند، خاضع تر می گردند و خویشان را در برابر فرمان ها و دستورالعمل های زندگی ساز و سعادت آفرین دین او تسلیم تر و مراقب تر می یابند. خوف و خشوع در برابر خداوند منان حالتی در روح پدید می آورد که خوف و ترس در برابر قدرت های سلطه گر را نفی می کند؛ به تعبیری دیگر، خاضع برای خدا چنان باعشق و محبت او پرورده می شود و طاعات و عبادات به درگاه پروردگار انسان در روح و روان او اثر مثبت و سازنده بر جای می نهد، و قدرت و توان در نهادشان ذخیره می سازد که در برابر هیچ قدرتی سر تسلیم فرود نمی آورد. طبیعی است که توکل به خدا که موجب فرو ریختن همه خوف و هراس های نامطلوب از قدرت های بشری می گردد، علمای صالح و خداترس را برای انجام وظایفی که خدا برای آنان معین و مشخص کرده آماده و مهیا می سازد و راه را برای مقابله

با هرگونه ظلم و ستمی که از دستگاه های جور بر توده های محروم جامعه می آید، هموار می نماید. اوراق تاریخ مبارزه های وقفه ناپذیر و خونین این دسته از علمای دین را با ظالمان و تجاوز پیشگان در راه اجرای دستورهای الهی و نجات و رهایی مردم مظلوم به ثبت رسانده است و جامعه های بشری همواره سلامت و سعادت خود را در پرتو مجاهدات و تلاش های خالصانه این بندگان وارسته و صالح خدا به دست آورده اند. تداوم و استمرار ارزش های الهی و انسانی که تضمین کننده زیست سالم جمعی است با مسئولیت شناسی و مبارزه پیگیر اینان در بستر زمان تحقق یافته است و ان شاء الله تا ظهور منجی یگانه بشریت و خورشید تابنده اسلام این تحقق به عیّت رسد و دل های میلیونها مظلوم گیتی را به جمال عدالت گسترش روشن کند و حافظ ارزش ها و معرفت گرداند.

### **جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی و سخنان امام حسین**

امام حسین (ع) پس از مذمت ترک امر به معروف و نهی از منکر و بیان شدت قبح و زشتی زیر پا نهادن دستور صریح قرآن درباره عمل به این اصل اجتماعی و نیز اشاره به وجوب این دستور الهی و رعایت آن از سوی مردان و زنان با ایمان به فلسفه و آثار این فریضه بزرگ اشاره نموده و می فرماید: «پروردگار دانا نیکو می داند که وقتی تکلیف امر به معروف و نهی از منکر به نیکویی ادا شود، تکالیف دیگر به آسانی ادا خواهد شد. آنچه معروف و محمود است انجام خواهد گرفت و آن کردارها که نکوهیده و ناشایسته اند، متروک خواهند ماند. از برکت امر به معروف فرایض دشوار و احکام سنگین به بهانه دشواری و سنگینی از شانه نخواهد افتاد، و در

سایه نهی از منکر لذتهای حرام و معاصی شیرین دیگر شیرینی و لذت نخواهد داشت و قباح خود را پنهان نتواند ساخت امر به معروف و نهی از منکر دو منادی مجاهد اسلامند که مسلمانان را به سوی معروف و نیکی ها می خوانند و از منکرات باز می دارند. امر به معروف ما را به رد مظالم و احقاق حقوق و مخالفت با ظالم و عدالت اجتماعی و ادای فرایض دعوت می کند، و نهی از منکر ما را از ستم و تعدی و تجاوز و آلودگی ها و پستی ها باز می دارد.» در این جمله ها اباعبدالله الحسین (ع) به فلسفه امر به معروف و نهی از منکر اشاره می کند و از همین رو، تأمل در این دستورهای بزرگ الهی را بر می انگیزاند و شرح و تبیین آن را ضروری می سازد. در فرهنگ و معارف اسلامی فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از جایگاه و اهمیتی خاص برخوردار است به گونه ای که تمام عبادات هم چون نماز، روزه حج جهاد و دیگر احکام و قانون های اسلامی در ابعاد و زمینه های مختلف به وجود این اصل و دستور بزرگ دینی ارتباط و وابستگی کامل و تام دارند. اگر امر به معروف و نهی از منکر به تعطیلی گراید و اهل ایمان از عمل به این قانون الهی قصور و تسامح ورزند، نماز و روزه و حج و جهاد و دیگر مقررات و قانون های اسلام نیز تعطیل می شوند و از اعتبار و بقا و تداوم ساقط می گردند. زیرا با عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر عبادات و دستورهای الهی پایدار و باقی می مانند و چنانچه مردم به خیر و نیکی ها دعوت و ترغیب

نگردند و از بدی ها و معاصی و گناهان نهی نشوند، گرایشی نسبت به عبادات الهی هم چون نماز، روزه حج و جهاد به وجود نمی آید و مقررات و دستورالعمل های عبادی سیاسی اجتماعی و اقتصادی اسلام ترویج نمی گردد و جامعه انسانی طریق سعادت و رشد و کمال را نمی پیماید و به اعتلا و اقتدار مادی معنوی و دفع موانع و مشکلاتی که راه های سلامت و تکامل جسمی و روحی را مسدود می سازند و انسان را در لجن زارهای عفن فساد و تباهی می افکند، توفیق حاصل نمی نماید. بنابراین تمام عبادات اسلامی و قانون های اجتماعی و اقتصادی اسلام موجود بودن خویش را از بقا و تداوم امر به معروف و نهی از منکر می گیرند و به برکت وجود این فریضه الهی پایدار هستند.

### **قرآن کریم و جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر**

قرآن کریم به دلیل جایگاه رفیع این فریضه الهی در گستره دین و نقش زیر بنایی آن در بقای ارزش های الهی و تداوم اعمال صالح و مفید و سودمند در جامعه انسانی به حضور حتمی این عنصر در حیات اجتماعی انسان فرمان می دهد: (و لکن منکم اّمه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون؛ باید همواره گروهی از شما باشند که دیگران را به امور پسندیده دعوت کرده و به نیکی ها امر نمایند، و از انجام بدی و ناشایست باز دارند، و آنان رستگاران عالمند. طبیعی است ادامه راه و گسترش اعمال شایسته و نافع در جامعه انسانی و نیز جلوگیری از آفات و زیان های عمل کردهای ناصواب و زیان مندی که حیات اجتماعی را باهدم و نابودی مواجه می سازد، جز در پرتو حرکت های مفید در جهت حفظ و پاسداری از ارزش های والا و

عمل کرده‌های مفید، و مقابله و مبارزه با اعمال زشت و ناسودمند برای جامعه انسانی ممکن نخواهد گشت و این مهم نیز بیداری و آگاهی و احساس مسئولیت انسان‌های خدا باور و با ایمان را می‌طلبد که برای فرمان الهی در دعوت به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها، به پاخیزند و در عرصه‌های عمل اجتماعی به تلاش و فعالیت صادقانه و خالصانه بپردازند و راه‌های رشد و تکامل مادی و معنوی انسان‌ها را هموار نمایند. دانشمند بزرگ معاصر اسلامی در تفسیر ارزشمند خود این حقیقت را به گونه‌ای دیگر مورد اشاره قرار می‌دهد: «تجربه قطعی به ما نشان می‌دهد که آدمی هر اندازه برای خود معلوماتی تهیه کند - و تهیه نمی‌کند مگر آنچه را که نافع خود می‌داند - و از هر راهی آن‌ها را گرد آورد، تا وقتی در خاطرش می‌ماند که نسبت به آن‌ها یادآوری داشته باشد، و چنانچه از تمرین و بررسی آن دست برداشت کم کم معلوماتش به دیار نیستی ره سپار خواهد شد. از طرف دیگر باز جای شک و تردید نیست که عمل در تمام شئون و مراتبش دایره مدار علم بوده با قوت و ضعف یا صلاح و فساد آن نسبت مستقیم دارد. و هم‌جای تردید نیست که علم و عمل با یکدیگر نسبت متعکس داشته علم قوی‌ترین داعی عمل و عمل مشهود و خارجی نیز قوی‌ترین وسیله ازدیاد علم می‌باشد. با توجه به مطالب نام برده روشن می‌شود که اگر در اجتماعی دانش و علم نافع و عمل صالحی باشد، برای دوام و پایداریش باید افراد را از منحرف شدن از راه خیر - که همان اعمال معروف و شناخته نزد آنان است - باز

دارند، و مردم دیگر را هم به طی کردن راه خیر تشویق نمایند و آن را که از راه خیر و معروف برگشته و در پرت گاه شر و منکر واقع شده رهايش نکنند و از خطر سقوط نجاتش بخشند. این همان دعوتی است که با تعلیم و آموزش و امر به معروف و نهی از منکر شروع می شود.» قرآن کریم در انتهای آیه مورد بحث درباره وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مردمی را که متّصف به این صفت و ویژگی بزرگ الهی هستند، گرامی می دارد و با تعبیر زیبای (اولئک هم المفلحون از آنان یاد می نماید؛ یعنی اینان به آن دلیل که اولاً خود انسان های پاک و مهذب و فداکار و دین باور هستند و خویشان را موظف به رعایت دقیق موازین شرعی و دستورالعمل های دینی می کنند و در تمام لحظات زندگی با مراقبت های مستمر در مسیر جلب رضایت و خشنودی خدا گام برمی دارند، و ثانیاً در برابر توده های مردم جامعه احساس مسئولیت می کنند و به تسامح و غفلت از کنار فساد و تباهی و آلودگی های اجتماعی نمی گذرند و همواره به نیکی ها دعوت می کنند و از بدی ها و معاصی و گناهان نهی می نمایند نجات یافتگان و رستگاران واقعی محسوب می شوند و مورد توجه و عنایت خاص حضرت پروردگار قرار می گیرند. این انسان های مهذب و مسؤل به آن دلیل رستگار نامیده شده اند که هدایت کننده و مصلح هستند و به برکت وجود آنان انسان ها به راه های رشد و کمال معنوی راه می یابند و در مسیر روشن و نورانی دین هدایت می شوند. هم چنین با ایثار و فداکاری و تلاش و فعالیت های خستگی ناپذیر این گروه از بندگان خداست

که جامعه های انسانی اصلاح می شوند و موانع پیشرفت و تکامل آنان مرتفع می گردد و به عزت و بالندگی و اعتلای نایل می آیند. قرآن کریم دامنه نفوذ و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را از فضا و محدوده جامعه اسلامی بالاتر می برد و تمام مردم جهان را مشمول اجرای این فرمان و حکم الهی می داند و مسلمانان راستین را موظف می کند که علاوه بر محدوده جوامع اسلامی و دنیای اسلام در گستره کره زمین و سرتاسر جهان دعوت به نیکی ها و نهی از بدی ها و پلیدی ها را در سرلوحه اعمال و اهداف خویش قرار دهند: (کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر). شما مسلمانان بهترین امتی هستید که به نفع تمام مردم جهان برخاسته اید. زیرا توده های مردم دنیا را به نیکی ها و اعمال نافع دعوت می کنید و از بدی ها و پلیدی ها نهی می نمایید. آیه شریفه فوق از زاویه ای دیگر به جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر می نگرد و اهمیت آن را می نمایاند و به نقش تعیین کننده اش توجه می دهد. از این زاویه امر به معروف و نهی از منکر اصل و قانونی است فراگیر و جهان شمول که هرگز نمی توان آن را به مکان و زمانی خاص محدود و محصور نمود. بلکه باید با نگرشی جامع و وسیع به این اصل آن را از فضای کشور و جوامع اسلامی بیرون برد و برای رشد و سعادت همه مردم جهان از این عنصر حیاتی بهره برد و به اصلاح دنیایی که از همه سو، در معرض فساد، تباهی قتل ظلم و جنایت است اندیشید و بر مردمی که برخلاف مسیر فطرت خداجوی خود



به فسق و پلیدی و الحاد و بی دینی آلوده گشته اند، بانگ بیداری و صلاهی نجات و رهایی برآورد و از خواب غفلت و فراموشی بیدارشان کرد و به خویشتن الهی شان رجعت داد. از دیدگاه قرآن کریم همان گونه که عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر جامعه های بشری را رو به اصلاح و تکامل می برد و از سقوط در دام مهالک باز می دارد، امتناع از اجرای دقیق آن نیز ضرر و زیان های جبران ناپذیری را در پی می آورد و موجب فساد و جنایت و ظلم و خونریزی در تمام کره زمین می شود: (فلولا - کان من القرون من قبلکم اولوا بقیه ینهون عن الفساد فی الارض الا - قليلاً - ممن أنجینا منهم و اتبع العذین ظلموا ما اترفوا فیه و کانوا مجرمین)؛ چرا در امت های گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشته که دیگران را از فساد و اعمال زشت نهی کنند، تا ما مثل آن عده قلیل مؤمنان شان را که نجات دادیم همه را نجات و رهایی بخشیم و ستمکاران از پی عیش به نعمت های ناپایدار و حرام دنیوی رفتند، که مردمی بدکار و کافر به جهان آخرت بودند (و بدین جهت همه هلاک شدند). قرآن کریم در آیه فوق یادآور می شود که آنچه موجب گسترش فساد و تباهی و ظلم در زمین و سرانجام نابودی و هلاکت انسان ها می شود، امتناع و خودداری از عمل به قانون امر به نیکی ها و نهی از بدی ها و پلیدی هاست زیرا چنانچه مردم صالح و نیکوکار، گناه کاران و فسادگران را از کثر راهه ها منع می کردند و از انجام فساد و ستم باز می داشتند و به خیر و نیکی ها دعوت و ترغیب می نمودند، قتل

و جنایت و گناه و پلیدی کاهش می یافت و پاکی و عفاف و نیکی ها رو به رونق و فزونی می رفت ولی وقتی نیکان با بدان در آمیزند و در کنار آنان لحظات زندگی را سپری کنند و دعوت به نیکی ها و مقابله با بدی و شرور را رها کنند، طبیعی است که هرگز از فساد و تباهی کاسته نخواهد شد و ظلم و جور و جنایت گستره خاک را فرا خواهد گرفت و راه نابودی ملت هایی که تن به ظلم و فساد و خیانت می دهند با آن که قدرت و توان کافی برای مقابله با وضعیت ناهنجار موجود را در خود ذخیره دارند از حرکت و تلاش سازنده سرباز می زنند هموار خواهد ساخت قرآن کریم صراحتاً در دو داستان عبرت آموز خویش قصور و تسامح گروه های مردم را چنین بیان فرمودند: سکوت و بی اعتنایی در برابر مفسد اجتماعی را گناه و معصیت بزرگی می داند که دامن گیر صاحبان تسامح و غفلت می شود.

### **قیام عاشورا پشتوانه امر به معروف و نهی از منکر**

در معارف و موارث فرهنگی شیعی تعابیر و عباراتی می یابیم که به زیبایی هر چه تمام تر به نقش محوری امر به معروف و نهی از منکر در بقای دین و استمرار تعالیم و احکام اسلام و اصلاح جامعه و تأمین سلامت و امتیث و پاکی و عفاف توده های مردم تأکید می ورزند و با بیان نکته هایی عمیق و عبرت آموز توجه اهل ایمان را به اهمیت این فریضه بزرگ الهی جلب می نمایند و هرگونه تسامح و غفلت را در عمل به اصل و قانونی که تضمین کننده حیات سالم و عزت مند جامعه اسلامی است نکوهش می کنند. این معارف ژرف در واقع شرح جامع آیات قرآن درباره نقش آفرینی عنصر امر

به معروف و نهی از منکر محسوب می شوند و اصولی که این کتاب مقدس درباره وجوب و اهمیت این فریضه الهی مطرح می نماید، تفسیر و تبیین می کنند و توده های مردم را به بینش و بصیرت جامع و فراگیر نسبت به وظایفی که عهده دار هستند، می رسانند. اولین سخن درباره اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر را از رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص) نقل می کنیم «دیگران را به نیکی وادار کنید و از بدی ها باز دارید، در غیر این صورت سنت خدایی چنین است که بدان شما بر نیکانتان مسلط خواهند شد و دعاهایی که می شود، فایده ای ندارد و مستجاب نخواهد شد.» در روایت فوق دو نکته و واقعیت ارزشمند مورد توجه قرار گرفته که لازم است بیان شود این گونه نکته و واقعیت اول این است که در صورت ترک امر به معروف و نهی از منکر انسان های ناصالح و ناشایست بر نیکان و صالحان سیطره می افکنند و به ظلم و ستم و فساد می پردازند و عرصه زندگی سالم را بر آنان تنگ می سازند و راه های رشد و کمال را مسدود می نمایند و آزادی و امنیت و آسایش را که ضروری ترین نیاز جامعه است سلب می کنند. این وضعیت و شرایط نامساعد و نامطلوب سنت خدا؛ یعنی اصل و قانون تخلف ناپذیری است که حاکم می گردد و مسئول آن کسی جز خود انسان نیست هم چنان که هر معلولی علتی دارد و هر پدیده و حادثه ای پدیدآورنده ای هر شرایط نامناسبی که در جامعه انسانی به طور گسترده و فراگیر حاکم و مسلط گردد، معلولی است که علت اصلی و بنیادی آن خود انسان است و این بدبختی و

ذلت از جای دیگری نازل نگشته و از درون انسان و خواست و تمایل او تراویده و عیبت یافته است وقتی پاکی و عدالت و آزادی و امتیت و راستی و صداقت و دیگر ارزش های الهی صیانت و پاسداری نشود و صالحان و نیکان جامعه در مقابل رشد فزاینده ضد ارزش ها احساس مسئولیت نکنند و دست ظالمان و مفسدان و گناه پیشگان را در انجام هر عمل خلاف و نادرستی گشوده گذارند، طبیعی است که به مرور زمان ارزش ها رنگ می بازند و به فراموشی سپرده می شوند و مفسدان و گمراهان بر نیکان و صالحان تسلط می یابند و نبض جامعه را به دست گرفته و در انجام هر ظلم و خلاف و فساد رها و بی قید می گردند. این وضعیت معلول سستی و سهل انگاری مردمی است که با چشم خود خلاف کاری و فساد و گناه را مشاهده کردند و لب فرو بستند و راه رشد روز افزون فحشا و پلیدی و فساد گستره مفسدان و معصیت کاران را صاف و هموار نمودند و جامعه را به سراشیبی سقوط و نابودی رهنمون شدند. نکته و واقعیت دوم این است که در جامعه ای که فحشا و ظلم و پلیدی غالب است و بدها و ناپاکان مسلط گردند، نیکان و صالحان هر چه به پاکی گرایند و لب به دعا بکشایند و به تضرع به درگاه الهی پردازند و نابودی فساد گستران و ظالمان را آرزو و درخواست نمایند، راه به جایی نمی برند و توجه حضرت حق و یاری و مساعدت او را جلب نمی کنند. این حقیقت بزرگی است که انسان در نیل به سعادت و رستگاری باید بر عمل خویش تکیه کند

و تلاش و فعالیت گسترده و همه جانبه ای را پشتوانه موفقیت خود قرار دهد. این حقیقت چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی ثابت و غیر قابل تغییر و خدشه است و انسان چه در اهداف و آمالی که در معیشت خویش پی می گیرد، و چه در اهداف جمعی و درباره سعادت جامعه باید به عمل خود متکی باشد و تلاش خستگی ناپذیر خویش را عامل موفقیت و پیروزی بداند. تعالیم اسلام تأکید و توصیه فراوان دارند که انسان در گرو عمل خویش است و سعادت و شقاوت و پیروزی و شکست او را خود بنا می کند و دنیا و آخرتش را چگونگی کردار و رفتار خود او به آبادانی یا خرابی می رساند. توصیه اسلام به عمل بسیار صریح و روشن است و بر اساس این توصیه های مکرر و مستحکم انجام همه امور در ابعاد فردی و اجتماعی به عهده خود انسان است و دعا نقش یاری رسانی دارد و به هیچ وجه جای عمل را نمی گیرد و تعالیم دینی جز این نقش اصالتی برای دعا نمی گویند. با توجه به توضیحی که گذشت این واقعیت چهره می نماید که در صورت ترک امر به معروف و نهی از منکر و تسلط فسادکاران و جنایت پیشگان بر نیکان و صالحان جامعه هیچ دعایی از سوی آنان به استجابت نمی رسد و هم چنان فساد و گناه رونق می گیرد و مفسدان و ظالمان مسلط و غالب باقی می مانند. زیرا نیکان جامعه از امر به معروف و نهی از منکر امتناع می ورزند و به مقابله با فساد و ظلم و جنایت بر نمی خیزند و هیچ سخن و عمل و حرکتی را در مسیر اصلاح جامعه به ظهور

نمی‌رسانند. طبیعی است که در چنین شرایطی دعا هیچ نقش و اصالتی ندارد و تنها با آغاز تلاش و فعالیت و مبارزه قوی و عملی با فساد و تباهی است که دعا هم چون نیرویی شگرف و یاری رسان رخ می‌نماید، و خداوند قادر متعال راه‌های پیروزی صالحان و نیکان را که با احساس مسئولیت و تعهد به پا خاسته‌اند و به مقابله با فساد گستران و ظلم پیشگان پرداخته‌اند، هموار می‌نماید.

### **امر به معروف و نهی از منکر در نظرگاه امام حسین**

در شروع این بخش سخن را تبرک می‌کنیم به کلام گهر بار مولای متقیان حضرت علی (ع) که در اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، می‌فرماید: «قوام الشریعه الامر بالمعروف و النهی عن المنکر»؛ قوام و پایداری دین به امر به معروف و نهی از منکر است دین مجموعه‌ای است از قوانین و احکام که سعادت و رستگاری انسان را در عرصه‌های زندگی فردی اجتماعی سیاسی اخلاقی و اقتصادی تضمین می‌کند و او را در نیل به رشد و تکامل در ابعاد مختلف مساعدت می‌کند و راه‌های مقابله با موانع و آفات و زیان‌هایی را که تهدیدکننده زیست سالم مادی و معنوی است صاف و هموار می‌نماید. احکام و قوانین سعادت‌آفرین و زندگی‌ساز دینی اوضاع مساعدی را می‌طلبند تا به ظهور و عمل رسند. تا این اوضاع مطلوب تأمین نگردد، تعالیم و قوانین دین در میان کتاب‌ها باقی می‌ماند و راه‌های رشد و سعادت انسان در ابعاد و شئون مادی و معنوی مسدود و نامساعد می‌گردد. راه بقا و تداوم و به دنبال آن اجرای احکام و قوانین اسلام با تبلیغ و ترویج تعالیم دینی و مقابله با موانع رشد و گسترش آن هموار می‌شود. این همان

شرایط و بستر مناسبی است که در آن تفکر دینی رونق می‌گیرد و احکام و قوانین الهی در عرصه‌های گوناگون تجلی می‌یابد. این شرایط و بستر مناسب فقط در پرتو تحقق امر به معروف و نهی از منکر پدید می‌آید و چنانچه تلاش و کوشش در مسیر تحقق این فریضه الهی صورت نپذیرد، احکام و قوانین دینی تبلیغ و ترویج نمی‌گردند و در چنین اوضاعی قوام و پایداری دین آسیب می‌بیند و ارزش‌های الهی رنگ می‌بازند و به تعطیلی می‌گرایند. کلام ارزش‌مند دیگری درباره نقش و اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از امیرمؤمنان حضرت علی (ع) آمده که فرمود: «تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، هم چون قطره‌ای است در مقابل دریای پهناور.» در این روایت در کنار کارهای مختلفی که پاکی و نیکی و ارزش‌مند بودن بر آنها مترتب است جهاد در راه خدا نیز بیان می‌شود و این به آن علت است که جهاد درخشش و اهمیت خاصی دارد و آثار و برکاتی که می‌آفریند بسیار حیاتی است درخشش جهاد به حدی است که در آیات قرآن و سخنان ائمه دین جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است و حجم جالب توجهی از آیات و روایات به توجّه تبلیغ ترویج و ارزش‌گذاری درباره آن پرداخته‌اند. طبیعی است که جهاد در راه خدا جزء کارهای نیک و از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود و این که حضرت علی (ع) پس از مطرح کردن تمام کارهای نیک عبادت و جهاد در راه خدا را نیز ضمیمه کرده این واقعیت را القاء می‌نماید که در این گستره جهاد نیز

که اصلی حیاتی و نقش آفرین است حضور دارد، تا اهل ایمان دریابند که وقتی تمام کارهای نیک با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه می شود، جهاد نیز که بسیار مهم و زیر بنایی است نیز در این مجموعه جای دارد. عنصر امر به معروف و نهی از منکر را آن گونه که هست باید مهدی (عج) گونه نگریست و این امر تحقق نمی یابد مگر این که دیدگاه های سطحی و نامتناسب باحقیقت این فریضه الهی را رها سازیم و به تعابیر و تمثیل و تشبیه هایی که بر اثر فرهنگ و معارف اسلامی درباره جایگاه اهمیت و نقش حیاتی و زیربنایی این اصل و قانون بزرگ آمده است ژرف نگری و تعمق روا داریم تا به سرچشمه زلال حقیقت رهنمون گردیم سند دیگری درباره اهمیت خاص فریضه و اصل امر به معروف و نهی از منکر از حضرت امام محمد باقر (ع) داریم که «وای به حال گروهی که با امر به معروف و نهی از منکر دین داری نمی کنند.» در این روایت امر به معروف و نهی از منکر، مهم ترین نمود و جلوه دین داری محسوب گردیده است یعنی کسانی را می توان دین باور و معتقد و عامل به دستورالعمل های دینی دانست که در عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر از تقید و تعهد لازم برخوردار باشند و به غفلت از کنار آن نگذرند و در کنش و رفتار اجتماعی آنان به وضوح این اصل و قانون الهی ظهور و تجلی یابد. به دیگر سخن ظهور دیانت را باید در کسانی به روشنی دید، که به این فریضه عمل کنند. زیرا آنان که به این وظیفه الهی عمل



می نمایند، اولاً خود به آنچه می گویند، متّصف هستند و قبل از این که از ارزش ها نیکی ها و اعمال صالح سخن به میان آورند و دیگران را دعوت به انجام آن ها نمایند، خود عامل و فاعل هستند و از هر چه که نهی می کنند و باز می دارند، خود فاصله می گیرند و بدین ترتیب دین داری را به معنای دوری از گفتار و کردار ناصواب و عملکردهای زشت و خلاف عقل و پای بندی به واجبات و دستورالعمل های الهی در حرکات و سکنات خود به ظهور می رسانند. ثانیاً، با توجه به نقش ویژه ای که جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قوام دین و دین باوری دارد، آنان با عمل به چنین اصل و قانونی دین داری را تداوم می بخشند و با امر به معروف و نهی از منکر به طور عملی و عینی موجب گسترش تعالیم اسلام در جامعه می گردند. بنابراین کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می نمایند، به زیباترین وجه دین داری می کنند و به وظیفه و تکلیف خویش در برابر حضرت حق به نیکی عمل می نمایند، و طبیعی است آنان که این تکلیف و مسئولیت را رها می کنند و از انجام دقیق و صحیح آن امتناع می ورزند، دین دار واقعی نیستند و نمی توان آنان را بندگانی شایسته و مقید و متعهد در برابر دین و دستورالعمل های دینی به شمار آورد. اگر چه سخن ائمه دین (ع) درباره نقش و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بسیار فراوان است و با توجه به آنچه از نظر گذشت به نیکی به سخن حضرت اباعبدالله الحسین (ع) که عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را زمینه ساز

عمل به دیگر تکالیف دینی می‌داند، و نیز به این حقیقت اشاره می‌کند که از برکت امر به معروف فرایض دشوار و احکام سنگین به بهانه دشواری و سنگینی از شانه نمی‌افتند، و در پرتو نهی از منکر، لذت‌های حرام و معاصی شیرین لذت و حلاوت نمی‌آفرینند و زشتی و قبح خود را پنهان نتوانند نمود، واقف و آشنا می‌گردیم و این قسمت از خطبه شریف پیشوای بزرگ شهادت را درباره نقش حیاتی امر به معروف و نهی از منکر در احیای دین و تداوم و استمرار ارزش‌های الهی و دستورهای قوانین اسلامی در جامعه با بینش و بصیرت لازم در می‌یابیم

### **امر به معروف و نهی از منکر فریاد بلند بیداری**

اباعبدالله الحسین (ع)، پس از اشاره به فلسفه امر به معروف و نهی از منکر و آثار مفید و سودمند آن برای جامعه انسانی کسانی را که به علم و دانش و موعظه و خیرخواهی شهرت یافته‌اند و مسئولیت خطیر هدایت توده‌های مردم را به دوش می‌کشند، مورد خطاب قرار می‌دهد و وظیفه سنگین آنان را در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر گوش زد می‌نماید و از قصور و غفلتشان از بازداشتن حکام ستمگر بنی‌امیه که مردم محروم جامعه اسلامی را اسیر و مطیع هوا و هوس‌های خویش کرده‌اند، انتقاد می‌نماید: «شما ای مردم دانشمند، ای شخصیت‌هایی که به علم شهرت گرفته‌اید و به خیرات و فضایل امتیاز یافته‌اید. شما ای مردم سخن‌گو که زبانتان به ادای نصایح و اندرزها آماده است توان‌گران از شما بیم دارند، و تهی‌دستان به شما حرمت و احترام می‌گذارند. بر شما آشکار است که رجحانی بر دیگران ندارید. شما نیکو می‌دانید که در ساختمان

بدنی هم چون مردم دیگر ساخته شده اید. شما می دانید که نعمتی به کسی ارزانی نداشته اید تا مستوجب منت گردد، با وجود این همه از شما بیم دارند و همه به شما احترام می گذارند. نیکو بنگرید، ببینید که مایه این همه اعتبار و احترام مقام علمی و برتری فکری شماست از شما بیم دارند، زیرا شما را پشتیبان حق و نگهبان حقیقت می شمارند. به شما امید دارند که برضد تعدی ظلمه از جا برخیزید، و با دل و زبان از حق و حقیقت دفاع کنید، و محرومان را به استحقاق خودشان برسانید. در آن جا که شما از ابزار حقایق زبان بر بندید، قومی نابکار و ناسپاس خواهید بود. مقام قیادت و امامت را خوار داشته اید و حقوق ضعفا و تیره بختان را لگدمال کرده اید. این درست است که به عقیده خود حق خویشتن را به دست آورده اید، ولی این عقیده شما سخت نادرست و ضعیف باشد، زیرا حق شما از آنچه به دستتان داده اند بسیار بزرگ تر و شریف تر است حق شما حق مردم است در آن هنگام حق شما پرداخته می شود که حق مردم پرداخته شود. در آن روزگار از نعمت امنیت و آزادی و سلامت و سعادت بهره ور باشید که جامعه نیز در سایه امر به معروف و نهی از منکر شما آزادی و سعادت و سلامت را به دست بیاورند. شب و روز در محراب عبادت می ایستید و از خداوند، بهشت برین در جوار پیامبران و اولیای وی می خواهید، ولی من می ترسم به جای بهشت دوزخ و عذاب و عقاب نصیب شما گردد، و هم چنان که دست به دعا نهشته اید، صاعقه ای فرود آید و شما را یک باره خاکستر سازد. شرف و کرامت

شما در گرو آسایش و امتیت بندگان خداست هم اکنون می بینید که پیمان الهی را بشکسته اند، و روی از درگاه پروردگار برتافته اند و در عین حال قفل خموشی بردهان دارید. اگر عهد شما را بشکنند، جزع و فزع می آورید، و فریاد و عهدها برمی بدارید اما در برابر شما، موثیق پیغمبر اکرم (ص) را ناچیز می شمارند و دم از دهانتان بر نمی آید. کورها، کرها، لال ها، زمین گیران بیچارگان در شهر در تهی دستی و بینوایی به سر می برند. همه گرسنه و همه تشنه اند، اما شما با شکم سیر خود خشنود و خرسندید! دل شما خوش است که سیر و سیراب در پناه ظلمه آرمیده اید و آب و نان شما از برکت سهل انگاری ها و چالپوسی ها و اهمال و استتاری که در امر به معروف و نهی از منکر به کار می برید، تأمین و تضمین شده است پروردگار متعال به شما فرمان داده که بی هول و هراس مردم را خواه امیر و خواه اسیر، خواه وضع و خواه شریف به معروف تشویق کنید و از منکر باز بدارید، ولی قدرت ارباب قدرت و ثروت مردم دنیا پرست کجا گذارد که لب بگشایید و حق بگویید. قومی تیره بخت و سیه روزگار باشید که به نا حق بر مسند قیادت و امامت نشسته اید. نه از جای خود برمی خیزید تا آنان که شهادت و گذشت دارند، بر این مسند قرار بگیرند و حق الهی را فرو بگذارند، و نه خویشان تکلیف خود را ادا می کنید. مردمی پست و فرومایه باشید، زیرا حق را در زیر پای تحقیر و تدبیر وا گذاشته اید و به حشمت و شوکت باطل پناه آورده اید. شما سنن پیغمبر (ص) را ترک گفته اید، شما

آداب مرضیه اولیای خدا را فراموش کرده اید. آه چه نیکو بود برای رضای خدا از دل خواه خود می گذشتید، و شهوات خود را در راه حق و حقیقت فدا می ساختید، در این هنگام با چشم سر می دیدید که اوامر الهی از نفس شما صادر می شود و به سوی شما باز می گردد. نه از صولت ظالم می اندیشیدید، و نه به انعام و اکرامش چشم می دوختید، بدون بیم و امید به آنچه که بر عهده شماست می پرداختید. ولی افسوس که بر سفره ناپاک ستمکاران زانو به زمین نهاده اید و طوق و حلقه بندگی و اطاعت آنان را برگردن گرفته اید. احکام الهی را به آنان وا گذاشته اید تا هر چه مقتضای شهوت و غضبشان باشد، به کار برند. زمام امور را به دست اشتباه کار گروهی شهوت پرست و فرومایه تسلیم داشته و خویشتن به گوشه امن و امان پناه برده اید. با توجه به خطبه فوق فریادهای بیداری حسین بن علی (ع) به جان تشنه مان می نشیند و فریادگری اش را که لازمه پیدا شدن جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر در هر زمان و مکان است درمی یابیم لذا در بخش بعد به نکته ها و درس های عمیق از جنبه های مختلف که تأمل برانگیز است می پردازیم

### **نکته ها در خطبه بیداری**

در بخش قبل جمله هایی از خطبه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در فریاد بیداری آورده شد که در بخش حاضر موظف شدیم برخی نکته ها و درس های عمیق و ژرفی را که در آن نهفته و از جنبه های مختلف تأمل برانگیز است اشاره کنیم و بعضی را با پرداخت و تبیین و بررسی گسترده و عمیق مورد توجه قرار دهیم ابتدا به اشارات می پردازیم الف توان گران و صاحبان زر و زور از

عالمان دین بیم و خوف در دل می پرورند. این بیم و خوف به آن دلیل است که عالمان دینی از سوی خدا و بوسیله تعالیم اسلام مسئولیت بزرگ پاسداری از وحی و صیانت از قوانین و احکام دین را بر دوش می کشند. قوانین و احکام دین ما را به مبارزه آشتی ناپذیر با ظلم و استعمار و بردگی فرا می خوانند و ظالمان و بهره کشان را از تضييع حقوق محرومان زمین نهی می کنند. طبیعی است که عالمان دین مسئول تحقیق احکام دینی هستند و قوانین و دستورهای صریحی که به مقابله و مبارزه با قدرت های اقتصادی حاکم بر جهان جهت احیای حقوق ضعفیان و در بند کشیده شدگان زمین مسئولیت و تلاش وقفه ناپذیر و علمای دین را می طلبد. بنابراین خوف و بیم توان گران و صاحبان زر و زور از عالمان دین از محتوای حرکت زا و انقلاب آفرین احکام و قوانین اسلام نشأت می یابد و بدیهی است که اگر عالمان دینی از مسئولیت صیانت و پاسداری از تعالیم دین شانه خالی کنند، خوف و بیم های قدرت های اقتصادی ظلم پیشه و استعمارگر نیز فرو می ریزد و زمینه ظهور نمی یابد و اینجاست که به سهولت و بی هیچ مانعی در گسترش بهره کشی از توده های محروم جامعه از یکدیگر سبقت می گیرند و دامنه ظلم و ستم هایشان را بیشتر و بهتر وسعت می بخشند. ب محرومان و پابرهنگان جامعه عالمان دین را اکرام می کنند و مورد بزرگداشت قرار می دهند. این گرامیداشت از آن روست که دین حق، پاسداران و جانبازانی را می طلبد تا فرهنگ و معارف الهی را از دستبرد بیگانگان مصون و محفوظ دارند و احکام و قوانین متعالی اسلام را که به احیای حقوق مستمندان و

محرومان می پردازد و آنان را از ظلم و بهره کشی می رهاند و به عزت و افتخار و شرافت می رساند. قیام عاشورا و نهضت حسینی در جامعه مستقر گردید و این یاوران اسلام و قرآن را از تعدی ظلم و فشار اختناق حکومت های جور نجات و رهایی بخشید. بنابراین اکرام و احترام و دوستی محرومان و پا برهنگان جامعه نسبت به علمای دین از عشق و علاقه آنان به دین خدا سرچشمه می گیرد و تا زمانی که عالمان و دانشمندان در مسیر پاکی که به استقرار احکام الهی و استیفای حقوق توده های محروم می انجامد، حرکت کنند از اکرام و محبت و دوستی زجر دیدگان و تهی دستان جامعه برخوردارند و در غیر این صورت به دلیل سرپیچی از وظایف و تکالیف الهی خود، طرد می شوند و مورد نفرت و انزجار توده های مردم قرار می گیرند. ج در کنار ظلمه آرمیدن و در رفاه اقتصادی به سر بردن و از آرامش و آسایش آن برخوردار بودن حق نیست هم چنان که عالمان وابسته به بنی امیه چنین می اندیشیدند. بلکه حقوق آنان وقتی به درستی تأمین می گردد که حقوق اکثر محرومان جامعه احیا شود و در پناه امر به معروف و نهی از منکر عالمان دین سعادت و رفاه عمومی گسترش یابد و در واقع شرافت و کرامت گروه عالمان در پرتو احقاق حقوق مستضعفان جامعه تأمین می شود. دانشمندان مرعوب دستگاه بنی امیه با آن که توده های مردم محروم چشم امید به آنان دوخته بودند، با شکم سیر و غرق در نعمت در کنار حکام ستمگر می غنودند و به برکت مدهانه و چاپلوسی و تمجید از ظلمه به آب و نان می رسیدند. در صورتی که وظیفه الهی امر به

معروف و نهی از منکر بر دوش آنان سنگینی می کرد و موظف بودند، ستمگران بنی امیه را از رفتار ناشایستشان باز دارند و به استیفای حقوق محرومان همت گمارند.د) شگفت این که عالمان دینی در آغوش بنی امیه غنوده خود را مستحق بهشت می دانستند و ظلم پذیری و قصور در انجام وظایف اجتماعی خویش را با عبادت خدا و تمنای مقامات والای اخروی جمع شدنی می دانستند. غافل از این که امر به معروف و نهی از منکر از چنان اهمیتی برخوردار است که شب و روز در محراب عبادت ایستادن و به مناجات و راز و نیاز پرداختن در صورتی که همراه با ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر باشد، پیشیزی ارزش و اعتبار ندارد و نه فقط موجبات تقرب به درگاه خداوند را فراهم نخواهد آورد، که بیم آن می رود صاعقه ای از سوی خدا فرود آید و چنین عبادت کنندگان گوشه گیر و بریده از مسئولیت های اجتماعی را در کام خود فرو برد. چنان که نمونه های فرود و نزول این عذاب رنج زای الهی در تاریخ وجود دارد و کسانی که از انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا و نهضت حسینی امتناع و اجتناب ورزیدند و فساد گستران و ظلم پیشگان جامعه را به حال خود رها کردند در کام عذاب فرو رفتند.ه) آنچه عالمان دینی جامعه اسلامی فرو رفته در ظلم و فساد بنی امیه را از انجام وظیفه های الهی شان باز می داشت ترس از صولت ظالم و مرعوب گشتن از برق سر نیزه ها و چشم داشت به انعام و اکرام ظلمه بود. این بیم و امید باعث شده بود که دین



خدا ملعبه دست بنی امیه شود و با سکوت رضایت آمیز عالمان دینی و توجیه و تفسیر عملکردهای ناصواب و ضد الهی ظالمان و فساد گستران احکام و قوانین الهی به فراموشی سپرده شوند و از ماهیت و فلسفه اصلی تهی گردند و بنا به مقتضا و مصالح حکومت بنی امیه تفسیر و تأویل شوند. عالمان دینی وابسته به دستگاه جور، با زیر پا گذاشتن حکم صریح دین درباره وظیفه و مسئولیت بزرگ امر به معروف و نهی از منکر که آنان را به مبارزه با ظلم و فساد و جنایت و حمایت عملی از توده های محروم و درمانده فرا می خواند، به گوشه ای امن پناه جستند و از آنچه در پناه ظلمه به دست آوردند، آخرت خویش را از دست دادند و به عذاب رنج زای الهی گرفتار شدند.

## عالمان هادیان امت

حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در قسمتی از خطبه امر به معروف و نهی از منکر اشاره به دنیاطلبی عالمان دینی می کند و وجود جاذبه های مادی را از عوامل بازدارنده آنان از مقابله با ستم و تعدی حکام بنی امیه لعنت الله علیهم معرفی می نماید. آن حضرت عالمان دینی جامعه ستم زده را مورد خطاب قرار می دهد و جاذبه های مادی و ثروت اندوزی و مال پرستی را عامل سکوت و تسلیم آنان در برابر حکام شقی بنی امیه معرفی می کند. جاذبه های مادی همواره فریبنده و گمراه کننده اند و دل ها را می لرزانند و از راه روشن دین به بیراهه های فسق و گناه رهنمون می شوند. نفس های نامهذب و ناپروورده در برابر وسوسه ها و تحریض هایی که به بهره وری از ثروت های نامشروع فرا می خوانند، تسلیم می شوند و دین به دنیا می فروشند و برای اندوختن و انباشتن سیم و

زر بیشتر، هر عمل خلاف و معصیت باری را روا می‌شمرند و به سهولت دست به جنایت می‌آلایند. در مقابل ایمان‌های راسخ و نفس‌های مهذب و پرورده در برابر جاذبه‌ها و گرایش‌های مادی حرام مقاومت می‌ورزند و در هیچ اوضاعی به باطل نمی‌گرایند و فقط در محدوده قوانین شرعی از امکانات مادی بهره می‌برند. عالمان دینی به دلیل مسئولیت سنگینی که در برابر دین خدا دارند و هادی‌امت و نجات‌دهنده محرومان از ستم‌جباران هستند، باید بیشتر از دیگران خود را در برابر جاذبه‌های مادی نامشروع مصون و محفوظ دارند و برای نیل به این مهم به تزکیه و تهذیب نفس پردازند و مراحل مختلف صعود به قله تقوا و خویشتن‌داری را طی نمایند. «قرآن کریم جاذبه‌های مادی حرام و گزینش زندگی دنیا و ترجیح آن بر سرای آخرت را به شدت نکوهش می‌کند و چنین کسان را فرو رفته در گمراهی می‌داند.» قرآن کریم در سخنی صریح کسانی را که وظیفه و مسئولیت سنگین هدایت خلق را رها ساخته و با دل باختگی در برابر متاع دنیا، توده‌های مردم را از تعالیم دین خدا محروم می‌سازند، مستحق عذاب الهی می‌داند: کسانی که تعالیم کتاب خدا را پنهان می‌دارند، و در برابر متاع ناچیز دنیا بر سر آن معامله می‌کنند، در شکم‌های خود چیزی جز آتش نخواهند یافت و خدا در روز بازپسین با آنان سخن نخواهد گفت و برای ایشان عذابی سخت و دردناک آماده است یکی از مهم‌ترین مصادیق کتمان تعالیم دین خدا، امتناع از ترویج و گسترش احکام و قوانین اسلام و تلاش عملی در مسیر تحقق اصولی که به مبارزه با ظلم و ستم و مخالفت

با قدرت های سلطه گری که توده های مردم را به استضعاف می کشانند، است در میان مردم این عالمان دینی نامتعهد هستند که آن گونه که شایسته است به دستورهای دینِ حق عمل نمی کنند و وظایف و مسئولیت های الهی خود را نادیده می گیرند و احکام و دستورالعمل هایی را که به طور مستقیم و آشکار ستم و جور را نفی می کند و جهاد و مبارزه پی گیر با ظالمان و مفسدان را یک وظیفه و تکلیف واجب و ثابت برای عالمان دینی می داند، طرد می کنند و در برابر نعمت های ناپایداری که از ظلمه به دست می آورند دین و آخرت خویش را تباه و نابود می نمایند. در معارفی که از ائمه دین (ع) باقی مانده اشارات و عباراتی می یابیم که به موضوع دنیاطلبی عالمان نامتعهد و گمراه می پردازد و این خصیصه زشت را آفت بزرگ دین و عامل فساد در زمین و سرگردانی و زیان و خسران بندگان خدا معرفی می نمایند. از امام موسی کاظم (ع) نقل است که خدای متعال به حضرت داوود چنین وحی کرد: «به بندگان من بگو که میان من و خودشان عالمی را قرار ندهند که دل باخته و فریب خورده دنیاست زیرا چنین عالمی آنان را از یاد من و از راه دوستی من و مناجات کردن با من دور می سازد. این گونه عالمان راه زنان بندگان من هستند.» در این روایت دل باختگی عالمان دین در برابر مظاهر مادی و جاذبه های پول و ثروت های نامشروع یک آفت بازدارنده محسوب می شود و کسانی که نمایند دین خدا و مدافعان احکام و قوانین الهی و هدایت گر توده های مردم به شمار می روند، چنانچه اسیر این جاذبه های فریبنده و اغواگر شوند و بر سر سفره های الوان دستگاه های جور بنشینند و به

عناد و عداوت با دین خدا پردازند و قوانین و دستورالعمل های اقتصادی شریعت را بامنافع ضد انسانی و زیاده طلبی ها و افزون خواهی های خود در تضاد و منافات ببینند. چنان که موجود بودن دین را در مقابل متاع ناچیز دنیا به خطر افکنند و از درگاه الهی طردکنند و جایگاه والای معنوی خود را از دست بدهند و از فلاح و رستگاری دور مانند. این دل باختگان دنیا به طور طبیعی بازدارندگان بندگان خدا از یاد خدا و دوستی و مناجات با او هستند و اگر چه خودشان همواره ذکر بر لب و مشغول به راز و نیاز و دارای ظاهر دینی و شرعی باشند، لکن دین را از محتوا تهی می کنند و ذکر و یاد و دوستی باحضرت حق را به معنای واقعی کلمه واژگونه می سازند و از جهت و هدف اصلی خارج می کنند. این عالمان ره گم کرده و گمراه ساز، راه زنان بندگان خدا نام گرفته اند. زیرا متاع معنویت گران بارتترین و ارزش مندترین متاع ها محسوب می شود و عالمان نامتعهد و فریفته دنیا که بر سر راه بندگان خدا کمین می کنند و این متاع گران قدر را از آنان می ربایند، راه زنانی هستند که با ربودن گوهر معنویت از کسانی که به دین حق امید بسته اند و راه رشد و رستگاری خود را در تعالیم الهی جستجو می نمایند، آنان را از هستی ساقط نموده و دنیا و آخرتشان را تباه می سازند. حقیقتاً کجا می توان متاع دنیا را با متاع دین یکسان شمرد و چگونه می شود ربودن متاع های دنیوی را با ربودن متاع دین و معنویت برابر و یک گونه به شمار آورد؟! و آیا راهزنان و ربایندگان هر دو نوع متاع در یک جایگاه قرار دارند و خلاف

و معصیت و فسادشان یکی است! رسول گرامی اسلام (ص) در نفی و نکوهش دنیاطلبی عالمان دینی که در همه حال و زمان و مکان باید هدایت گران و معلمان راه روشن انبیا و ائمه اطهار (ع) باشند، چنین می فرماید: «وای بر کسانی که دین را وسیله دست یافتن به دنیا قرار می دهند، اینان گرگانی در لباس میشند، که با نرم زبانی مردم را می فریبند، سخنان ایشان شیرین تر از عسل است و دل هایی چون گرگ دارند...». نکته مهمی که در این روایت مورد توجه قرار گرفته این است که عالمان فاسد و نامتعهد، دین را برای نیل به مطامع نامشروع و حرام چونان بهترین وسیله مورد بهره برداری قرار می دهند و تعالیم الهی را که محکم ترین دستاویز برای نیل به زندگی سالم مادی و معنوی و رستگاری در آخرت محسوب می شود، هم چون موهن ترین و ذلت آفرین و پست ترین ابزار و وسایل برای جلب توجه صاحبان قدرت و مکتب و نیل به مظاهر و امکانات مادی دنیا، مورد استفاده قرار می دهند. اینان اگر دین را رها می کردند و از جامه دیانت خارج می شدند و به کفر می گراییدند، خطری برای دین نداشتند و نمی توانستند به نام دین بر دین و دین باوری یورش برده و اساس شریعت را هدم و نابود سازند. لکن درد و رنج بزرگ این است که به شدت به دین می گرایند تا راه نیل به مطامع پست و نامشروع دنیایی را با دستاویز قراردادن تعالیم الهی هموار نمایند. نکته دوم این است که عالمان فریفته دنیا و وابسته به دستگاه های جور به گونه ای سلوک می کنند و در میان توده های مردم مشی می نمایند که قدرت تمیز و تشخیص را از آنان سلب می کنند. اینان گرگان درنده اند، اما میش می نمایند،

از همین رو با زبان های نرم و منافقانه و سخنان شیرین و ظاهر فریبنده آحادی از خواص و عوام مردم ملت ها را به اشتباه می اندازند و از بینش و بصیرت نسبت به ماهیت عملکردهایشان باز می دارند. این جاست که این گمراهان گمراهی می آفرینند و مردم ناآگاه را چشم بسته به دنبال خویش می کشند و هم چنان که خود در کام قدرت های سلطه گر فرو می روند و دین ستیزان را یاری و مساعدت می کنند و دست های پلید آنان را در ارتکاب هر گونه ظلم و فساد باز و گشوده می دارند، مردم ناآگاه را نیز به بیراهه های فساد و تباهی رهنمون می شوند. نکته سوم و مهمتر از نکات دیگر؛ درباره دنیاگرایی و مال اندوزی های نامشروع عالمان دینی در قسمت هایی از وصایای حضرت علی (ع) می یابیم که مولای متقیان خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی (ع) چنین می فرماید: «پسرم چگونه فردا در میان گروهی قرارگیری .. که عالم ایشان فریبنده و ظاهر آرا باشد و هوای نفس بر او چیرگی دارد و سخت به دنیا چسبیده است و آن کس از آنان که بیشتر رو به تو می کند، برای غائله آفرینی در کمین تو نشسته است و پیوسته خواهد که حيله ای ساز کند، و در طلب دنیا سخت می کوشد...» روایت فوق نشان دهنده عالمان دنیاطلب و نامتعهدی است که قلوب جامعه هایی را معطوف به دنیا و هر آنچه در آن هست می کنند. شاه راه فرعی ای را پایه می ریزند که عوام و دنباله روهای خویش را بدان راه هدایت می نمایند. اگر چنانچه جبل المتین الهی نباشد و بدان چنگ نیندازیم هر از لحظه ای به قعر دره های وحشت و خوف جهنم سرنگون می شویم در چنین شرایطی اگر یکایک مان زیر بیرق سرخ حسینی و نهضت عاشوراییان

قرار نگیریم و زمینه های نامساعد حق و باطل را برای توده های مردم روشن نکنیم و عالمان دنیاگرا و حرام خوارانی که فقط در خنجر آماده بر ضد دین پنهان ساخته اند، رسوانکنیم به منکراتی تن داده ایم که هر روز در حال رشد و نمو و ایجاد راه های نو در جهان کنونی اند. اینان همواره در صدد حیلہ سازی و فساد آفرینی هستند و از این راه هم خود به اهداف پست و نازل مادی دست می یابند و هم سلطه گران و ظالمان و دین ستیزان را بر آریکه های قدرت می نشانند و آنان را در تداوم جور و فساد مساعدت می نمایند. در این میان موقعیت پیشوایان حق و شهادت بسیار سخت و رنج زا و حزن آلود است زیرا عالمان دنیاطلب با عملکردهای ناصواب و ضد انسانی شان عرصه را برای مبارزه همه جانبه آنان با ستمگران تنگ می سازند و با منع آفرین ها و ایجاد غائله های مکرر از طرفی قدرت های ظلم گستر و دین ستیز را یاری می سازند و انرژی و توان می بخشند، و از سویی دیگر جبهه حق را با فریفتن مردم و ممانعت از مساعدت و همراهی آنان با پیشوایان دین برای سرکوبی ظالمان تضعیف می نمایند. مع الاسف عالمان فاسد و وابسته به دستگاه ظلمه این اوضاع ناگوار را هم برای حضرت امام حسن مجتبی (ع)، و هم برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به وجود آوردند و بدین ترتیب ارکان سلطه ستم گران بنی امیه را استحکام بخشیدند.

### **مسئولیت عالمان وارسته در برابر بدعت گزاران دین**

یکی از موضوعات و فصل های درخشانی که در خطبه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه قرار گرفته بدعت در تعالیم اسلام است امام حسین (ع) خطاب به عالمان دینی گریزان از مسئولیت های اجتماعی آنان را به

بدعت‌گزارى در دين خدا به نفع ظلمه و براى توجيه وضع موجود كه به حاكميت بنى اميه و تداوم ستم و فساد و جنايت آنان مى انجاميد، متهم مى كند و اين عمل ننگين را خيانتى آشكار به اسلام و موجب سيطره ظالمان و گسترش فساد و ناامنى در جامعه مى داند. اين بدعت‌ها را دستگاه بنى اميه آورد و همه آنان احكام و قوانين اسلام را بنا بر مصالح و مطامع خود توجيه و تفسير كردند و حقايق دينى را واژگونه نمودند. نقش عالمان دينى وابسته به ظلمه اين بود كه در برابر تغيير و تحول در احكام و بدعت‌گذارى در دين سكوت مى كردند و وضع موجود را تأييد مى نمودند و راه هرگونه شبهه و ترديد نسبت به عملكرد حكام جور را بر توده‌هاى مردم جامعه مى بستند، و بنى اميه هم از اين سكوت و تأييد بسيار خشنود بودند و از عالمان دينى بيش از اين نمى طلبيدند و ضرورتى نيز نمى يافتند. علاوه بر آن در هر شرايط و مناسبتى كه ضرورت مى يافت عالمان دينى وابسته بسيار صريح و روشن به تأييد بنى اميه مى پرداختند و ظلم و فساد آنان را توجيه مى نمودند و مردم را از هرگونه مخالفت و ناخوشنودى باز مى داشتند. امام حسين (ع) در عبارتى از خطبه امر به معروف و نهى از منكر خطاب به عالمان وابسته مى فرمايد: «احكام الهى را به آنان وا گذاشته ايد تا هر چه مقتضاي شهوت و غضبشان باشد، به كار برند.» سيد الشهدا (ع) در اين عبارت کوتاه با صراحت تمام به خيانت و معصيت بزرگ عالمان دين فروش اعتراض مى كند تا بلكه به خود آيند و از خواب غفلت بيدار شوند و احكام و تعاليم دين را



این گونه آسان به دست های جنایت بار بنی امیه نسپرند تا بنا بر مطامع نامشروع خویش هر گونه که مایلند در آن تغییر و تحول ایجاد کنند و به نفع خود به توجیه و تفسیر پردازند و حلال های خدا را حرام و حرام های او را حلال گردانند، و بابتدعته گزارای های خود اسلام را از محتوا و حقیقت تهی سازند. بدعت یعنی نوآوری و تازه گرایی و بدعت در دین یعنی عقیده نو یا حکم تازه و بی سابقه و خلاف دین آوردن به تعبیری دیگر بدعت عبارت است از ابداع احکام و تعالیم جدید در همه شئون اعتقادی عبادی اجتماعی سیاسی و اخلاقی که مخالف با اصل و حقیقت دین باشد و فساد و انحراف ایجاد نماید. علمای دین در هر عصری نسبت به بدعت ها و تفسیر و تحلیل های غلط و انحرافی از دین که به واژگونه ساختن تعالیم آن می انجامد و اهداف و آرمان های والای الهی را به فراموشی می سپرد و حقیقت وحی را از محتوا تهی می دارد، مسئول هستند و باید با تمام وجود در برابر هر نوع بدعت و انحراف مقاومت نمایند و به معرفی چهره واقعی دین پردازند و آن را از پیرایه ها و آرایه ها بزدایند. اگر علمای دین در انجام تکالیف خویش قصور ورزند و به بدعت زدایی از تعالیم الهی پردازند، دین از محتوا و حقیقت خود منحرف می شود و فلسفه و اهداف تعالیم عبادی سیاسی اجتماعی و اقتصادی خود را از دست می دهد و مردم دین دارانی می شوند که دین دار نیستند و به نام اسلام از اسلام دوری می جویند و به بیراهه های جهل و گمراهی ره می سپرند. در چنین اوضاعی دین به تعطیلی و فراموشی کامل می گراید و

در حالی که ظاهرش باقی است باطنش از بین رفته و فقط نامی از آن بر زبان ها جاری می گردد. این موقعیت و اوضاع کافران و ستم گران را بر اریکه های قدرت می نشاند و آنان به نام نمایندگان دین خدا و جانشینان رسول خدا بر جامعه اسلامی حکومت می رانند، چنان که بنی امیه چنین کردند. بدعت در دین و خطرات مهلک ناشی از آن از موضوعات بسیار مهمی است که در تعالیم مکتب اسلام مورد لحاظ و توجه خاص قرار گرفته و پیشوایان دین درباره آن بسیار سخن گفته اند و فراوان هشدار داده اند. در سخنان پیامبر اکرم (ص) یکی از حیاتی ترین وظایف و مسئولیت های عالمان دین در هر عصری مبارزه و مقابله صریح و قاطعانه با بدعت ها معرفی شده است از رسول مکرم اسلام (ص) نقل شده که «بار حفظ این دین را در هر قرن مردمان عادل بر دوش دارند که تأویل های باطل اندیشان و تحریف های گزافه گوینان و ساخته های نادانان را از آن دور و نابود می کنند، به همان گونه که کوره پلیدی و ناخالصی آهن را از آن دور می نماید.» تلاش های وقفه ناپذیر پیامبر اسلام (ص) فقط به تبلیغ و ترویج دین در میان مردم و ابلاغ فرمان های الهی به جامعه های انسانی منحصر نبوده است بلکه در کنار گسترش تعالیم دینی فعالیت علمی برای حفظ حقیقت دین و زلایلی تعالیم آن بسیار اهمیت دارد؛ از همین رو، علاوه بر مبارزاتی که خود در دوران حیات پاک و پر برکتش برای پاسداری و صیانت از دین و جلوگیری از خطر تحریف و بدعت می نمود، این مسئولیت و تکلیف را به عهده امامان معصوم (ع) و عالمان دینی وارسته و مسئول و متعهد سپرد تا در هر

عصری به محافظت از تعالیم ناب و خالص اسلام بپردازند و با تحریف گران و بدعت گزاران مقابله و مبارزه کنند. اهمیت مبارزه با تحریف و بدعت آن گونه اهمیت دارد و آن سان باید دقیق و ظریف تحقق پذیرد در سخن پیامبر اکرم (ص) از آن به کوره ای که پلیدی و ناخالصی آهن را می زداید، تشبیه شده است یعنی عالمان دین باید هم چون کوره های داغ و شعله ور باشند که هر ناخالصی و تحریف و باطلی که حقیقت دین را به خطر می افکند و برای جامعه های اسلامی انحراف ایجاد می نماید و دشمنان خدا را بر مقدرات مسلمانان مسلط می سازد، ذوب کنند و از بین ببرند و همواره اسلام را خالص و به دور از هر پیرایش و آلایش به دست نسل های بشر بسپارند. در اوضاعی که بدعت ها چهره نمایانند و فتنه ها سر بر آوردند و موجود بودن دین و حقیقت اسلام با خطر تحریف و واژگونی مواجه شد، عالمان متعهد و درد آشنا قیام کنند و در اوج آگاهی و کمال شهامت و شجاعت در مقابل تهاجم اندیشه های باطل و عاری از حقیقت که راه را بر رشد و کمال و سعادت توده های مردم برمی بندند و در مقابل خورشید تابان اسلام ابرهای تیره تشکیک و تردید به وجود می آورند، پایداری ورزند و تعالیم زلال دین را آشکار سازند و جلوه های نورانی اندیشه و تفکر دینی را در عرصه و آموزه های سیاسی اجتماعی اخلاقی و اقتصادی و فرهنگی آیین حیات بخش اسلام را و در تمامی لحظات و شئون زندگی مادی و معنوی جاری گردانند. حضرت امام جواد (ع) مسئولیت سنگین عالمان وارسته و دل بسته به حق و ذوب شده در اسلام را که

تمام هستی خویش را در راه احیاء دین حق و مقابله با کژیها و ناراستی ها و تحریف و بدعت ها فدا می سازند و چون ارواح پاک و منزّه بر پیکرهای سرد دمیده می شوند، این گونه توصیف می نماید: «خدای متعال در امت هر یک از پیامبران تنی چند از عالمان بگمارد، تا گمراهان را به راه آوردند، و با مردم در تحمل آزار مخالفان همراه باشند، و فریادگر الهی را پاسخ گویند، و مردمان را به خدا بخوانند... اینان با کتاب خدا مردگان را زنده می کنند و با روشنی خدایی کوران را بینا می سازند، چه بسیار کشته های ابلیس که به دست ایشان زنده شدند، و چه بسیار گمراهان و سرگردانان را که ایشان هدایت کردند. آنان خون خود را برای جلوگیری از هلاکت بندگان می دهند...»

## دو مشخصه بارز عالمان متعهد

طبیعی است که درخشش عالمان دین و جایگاه بلند و مقام و منزلت والایی که اسلام برای آنان قائل شده از همین مجاهدت ها و فداکاری ها نشئت می یابد و اگر عالمان هم چون عابدان به گوشه ای می خزیدند و به ذکر و مناجات اشتغال می ورزیدند و از مسئولیت سنگین هدایت و رنج و سختی های این راه پرفراز و نشیب شانه خالی می کردند و درباره اسارت و بردگی و درماندگی بندگان خدا بی تفاوت بودند، این گونه به نیکی یاد نمی شدند و در درگاه الهی به تقرّب و نزدیکی نمی رسیدند. پیامبر گرامی اسلام (ص) برتری و رجحان عالمان دل سوخته اسلام و مسئول و متعهد در برابر جامعه را این گونه می نمایاند: «برتری عالم بر عابد هفتاد درجه است و فاصله میان هر دو درجه به اندازه هفتاد سال دویدن است و این به آن سبب است که شیطان بدعت ها را برای

مردم فراهم می آورد و عالم آن ها را می بیند و از آن ها جلوگیری می کند، در صورتی که عابد به عبادت خود مشغول است و متوجه بدعت ها نمی شود و آن ها را نمی شناسد.» در این روایت به دو شاخص بارز عالمان متعهد، در برابر عابدان گوشه گیر اشاره شده است الف شاخص اوّل بینش و آگاهی و شناخت آنان بدعت ها و تحریف ها و خطراتی را که متوجه دین است ب شاخص دوم احساس مسئولیت الهی برای مقابله و مبارزه با دگرگونی هایی که از سوی بدعت گزاران جامعه دینی را تهدید می کند و تعالیم مقدس اسلام را از حرکت آفرینی و به تحقق رساندن اهداف و آرمان های مورد نظر باز می دارد. در مقابل عابدان قرار دارند که به دلیل عدم برخورداری از بینش و آگاهی از شناسایی بدعت ها و تحریف ها عاجز می مانند و در نتیجه قادر به جلوگیری از آن ها نیستند و همواره سر در گریبان خویش دارند و به خود و بیرون آوردن گلیمشان از آب می اندیشند، حال آن که عالم متعهد و مسئول به جامعه می اندیشد و در برابر بدعت های چپ و راست جاهلان و نادانان ایستاده و آماده مبارزه با تحریف گران و بدعت گزاران است با توجه به آفات و خطراتی که از سوی بدعت گزاران و تحریف گران موجود بودن دین به عهده دارند، طبیعی است که قصور و تسامح و غفلت از آنان مهلک و خطر آفرین است عالمانی که از این رسالت و مسئولیت الهی شانه خالی می کنند و با مشاهده بدعت ها قفل خموشی بر دهان می زنند و به تبیین صحیح دین نمی پردازند و با صاحبان قدرت و عوامل آنان که به واژگونه کردن حقایق الهی و بدعت و تحریف در احکام

و قانون های دین می پردازند و به مبارزه بر نمی خیزند، مورد خشم و غضب خدا قرار می گیرند و از فلاح و رستگاری محروم می شوند؛ پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «چون بدعت ها در امت من پدید آید، بر عالم است که علم خود را آشکار کند، پس هر کس چنین نکند لعنت خدا بر او باد.» عالمان دینی جامعه ای که حضرت امام حسین (ع) برای اصلاح آن قیام کرده بود، این گونه بودند. پیشوای شهادت از همین رو، آنان را مورد خطاب قرار می داد و به خویشتن خویش و مسئولیت شناسی و قیام و حرکت برای مقابله با بدعت هایی که بنی امیه در دین به وجود آورده بودند و جامعه را به بی دینی کامل و سقوط در مهالک فسق و گناه سوق می دادند، فرا می خواند. لکن فریادهای بیداری آن پیشوای بزرگ در گوش های سنگینشان اثر نمی گذاشت و از خواب غفلت و نسیان بیدارشان نمی کرد، که آنان به سختی به متاع دنیا و زرق و برق سکه های سیم و زر و سفره های رنگین و نعمت های الوانی که در پناه ظلمه به دست می آوردند، وابسته بودند و خود آگاه دین را به دنیا فروخته بودند.

## خطرناکترین آفت

### اشاره

چهارمین قسمت از خطبه پرشور امام حسین (ع) درباره جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا و نهضت حسینی (ع) به غنودن عالمان فریفته دنیا در آغوش ستمگران بنی امیه و پیامدهای شوم و ناگواری که از ارتباط و پیوند عالمان دین با دستگاه ظلمه موجود بودن اسلام و جامعه اسلامی را تهدید به هدم و نابودی می کند، اشاره می نماید. اباعبدالله (ع) خون های به نا حق ریخته شده و فساد و جنایتی که فضای جامعه را آلوده کرده

و ظلم و ستمی را که بر همه جا دامن گسترده بود، از سوی عالمان وابسته به دربار بنی امیه که در برابر عمل کردهای خائنانه و جنایت بار آنان مهر سکوت بر لب زده و به توجیه وضع موجود می پرداختند، می داند و این گونه این فریفتگان و دین به دنیا فروشان را مذمت و نکوهش می کند: «می دانید این خون ها را کدام دست بر خاک راه فرو می ریزد؟ می دانید این همه حقوق را کدام پا لگد مال می کند؟ می دانید این همه فجایع و جنایت ها و رسوایی ها و مظالم از کدام کانون مایه می گیرد؟ از وجود شما، از دست های لرزان و پاهای گریزان شما. ترس شما از مرگ حرص شما به ثروت و مکنت شهوت شما به مشتهیات دنیا، مردم را به این روز سیاه نشانده است دل بستگی شما به این زندگی چند روزه ملت های ضعیف را در چنگ اقویای شرور و شهوت ران گرفتار ساخته است قومی که به ناحق در تبعید به سر می برند و قومی که در محیط زندگانی خود از حقوق زندگی محرومند. این ستم ها از شما، از سکوت شما، از سهل انگاری و ضعف شما، از خودخواهی شما، از خودداری شما در امر به معروف و نهی از منکر پدید می آید. مگر نمی بینید با مردم چه می کنند؟ در مال و جان و ناموس و به نام مردم چه حکم ها می رانند؟ مگر نمی شنوید که خطبای این قوم بر منبرها چه می گویند و با چه جرئت و جسارت بر ضد مبانی اسلام خطابه ها ایراد می کنند، و از آفریدگار خویش شرم ندارند! کره زمین به رایگان در اختیارشان افتاده و بر بندگان خدا، جابرانه حکومت می کنند، چنان که گویی مردم بردگان زر خرید آنانند! نه کسی یارا

دارد از حق سخن گوید، و نه دست توانایی پیش می آید که از خون و ناموس خود دفاع کند. این فرومایگان همواره در میان مردم مطاع باشند، مطاعی که نه مبدأ می شناسد و نه به معاد ایمان دارد. بسیار شگفت انگیز است ولی مرا شگفتی نیاید؛ زیرا شرایط محیط حکومتی کریه پدید آورده و سکوت مردم دانشمند و آگاه فرماندگان ناسزاوار را بر مسند فرماندهی نشانده است فقط خداوند قاهر و قادر است که میان ما تواند حکومت کند و قضاوت اوست که به اختلافات پایان خواهد بخشید.» در تعالیم مقدس اسلام یاری و مراوده با ستم گران به شدت مورد مذمت قرار گرفته و اهل ایمان از ارتباط و مساعدت با ظلمه نهی گردیده اند، زیرا هر گونه مجالست و پیوند و مراوده با ستمگران به کمک و یاری رساندن آنان در مقابله و مبارزه با دیانت و تلاش جهت از بین بردن آثار معنویت در جامعه می انجامد، و از سویی دیگر دست جنایت بار ظلمه را در انجام قتل و غارت و تضييع حقوق درماندگان باز و گشوده می گذارد. کسانی که دست دوستی و موذت در دست های خون آلود ظالمان می نهند، در هر فساد و گناه و جنایتی که آنان مرتکب می شوند شریک و سهیم هستند و در بقای ظلم و تداوم عمل کردهای ظالمانه ستمگران و فساد گستران نقش اساسی به عهده دارند. در این میان ارتباط علما و شخصیت های دینی با ستم گران بسیار خطرناک تر است و آفات و زیان هایی که تولید می کند با آفات و خطراتی که از پیوند سایر اقشار جامعه با ظلمه به وجود می آید، مقایسه شدنی نیست زیرا اینان نمایندگان دین خدا و جانشینان رسول خدا (ص) محسوب می شوند و وظیفه



مسئولیت اصلی آنان حفظ اصالت دین و صیانت از احکام و قوانین الهی و ارزش های والای بر آمده از دین است پناه بردن به ظلمه و زندگی با حکام ستم گر موقعیت دین را به خطر می افکند و حقایق الهی را دچار تحریف و دگرگونی می کند و مسیر تعالیم اسلامی را منحرف و به بیراهه ها رهنمون می سازد. مگر نه این است که دین حیات بخش اسلام با ظلم و جور سرستیز دارد و صلح و آزادی و امتیث و عدالت را با حیات ننگین و جنایت بار ظالمان و ستمگران قابل جمع نمی داند و مقابله و مبارزه وقفه ناپذیر سلطه جویی و خیانت و جنایت حکام جور را تنها راه نجات و رهایی توده های مردم تلقی می کند؟ و مگر نه این است که ظالمان و سلطه گران به دلیل ماهیت ظلم ستیزی احکام و قوانین متعالی اسلام به عداوت و دشمنی با این دین پاک و رهایی بخش می پردازند و حیات اسلام را مساوی با هدم و نابودی منافع نامشروع و ضد انسانی خویش می دانند؟ بنابراین این طبیعی است که عالمان دینی و ارسته مسئول تحقق تعالیم اسلام هستند و مبارزه با ستم و مخالفت با سلطه گری و فسادطلبی ظالمان و ستمگران را از وظایف و تکالیف اولیه خویش می دانند. با این وصف عالمان دینی را چه جای یاری ظلمه و حاکمان ستمگر؟! هر گونه پیوند و مراوده و مساعدتی که از سوی عالمان دینی با حکام جور صورت گیرد، خیانت به دین و حرکت در مسیر هدم و نابودی اساس دیانت محسوب می شود و طبیعی است که در طول تاریخ هیچ آفت و خطری هم چون غنودن عالمان فاسد در دامان ظلمه و توجیه ستم

و تعدی تجاوز دستگاه های حکومتی ظالم بر پیکر دین اسلام ضربه نناخته است تازیانه های ستمی که عالمان نامتعهد و وابسته به دربارهای حکام ستم گر بر پیکر اسلام وارد ساخته اند، بسیار دردناک است و با هیچ ضربت و آفت و خیانت دیگر مقایسه نمی شود. اگر ستم گران در جامه دیانت درآمدند و به نام دین بر پیکر دین ضربه زدند و به تحریف قوانین الهی پرداختند و ماهیت احکام را دگرگون ساختند، عالمان وابسته مسبب و عامل اصلی آن بودند، و اگر نبود خود فروشی و دین فروشی این فاسدان دنیا طلب حاکمان جور هرگز به این سهولت نمی توانستند دین را به بازیچه بگیرند و احکام و قوانین الهی را بنابر مصالح و منافع نامشروع خویش توجیه و تفسیر کنند و بر دهان توده های مردم قفل خموشی و سکوت بزنند و جماعتی از آنان را به موافقت و اطاعت محض از خود سوق دهند و گروه های مخالف را از دم تیغ بگذرانند و هر ندای آزادی خواهی را در گلو خفه سازند. در فرهنگ و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، از دیدگاه نهضت حسینی (ع)، چنانچه ارزش ها و مرامت های عالمان مخلص دین و ائمه اطهار (ع) نادیده گرفته شود؛ آگاهانه نشستن در کنار سفره و هم نشینی با ستم گران و سلاطین جور و مساعدت و یاری رسانی به آنان است و معصیتی بزرگ خواهد بود که موجب خشم و غضب الهی معرفی شده است این تعابیر و یاری ظالمان دو گونه اند: دسته و نوع اول در عبادت مختلف به نفی کلی این کمک کردن می پردازند و خطاب آن ها عموم مسلمانان است نه قشر خاصی از افراد جامعه اسلامی دسته و نوع دوم به عالمان

دین اختصاص یافته و آنان را مورد خطاب قرار داده و از مجالست با سلاطین جور و کمک و مساعدت به دستگاه های حکومتی شان نهی می نماید. ابتدا برخی از دستورالعمل های نوع اول را که خطاب آن ها عام و فراگیر است مورد توجه قرار می دهیم و سپس به بررسی دستورها و خطاب های خاص می پردازیم از پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) نقل است «از دربارهای شاهان و سلاطین و حاشیه های آنان بپرهیزید، که نزدیک ترین شما به این درها و حاشیه ها دورترین شما از خدای متعال است و هر که سلطان را بر خدای عزوجل برگزیند، خدا ورع و پرهیزکاری را از او می گیرد و او را حیران و سرگردان می سازد.» این دستور العمل همه مسلمانان را از ارتباط و یاری سلاطین و حاشیه ها و اطرافیان آنان نهی می نماید و سه اثر و زبان بزرگ بر این پیوند مترتب می داند: اول این که تقرب و نزدیکی به دربار ستم گر و اطرافیان آنان دوری از درگاه حضرت باری تعالی را در پی خواهد داشت و به هر میزان که بنده ای به ظالمان نزدیک شود و به دوستی و یاری آنان بپردازد، از موهبت و دوستی خدای متعال فاصله می گیرد و خشم و غضب الهی را برای آخرت خویش ذخیره می سازد؛ دوم این که با این پیوند و یاری نامقدس و معصیت بزرگ خداوند ورع و پرهیزکاری را از او می گیرد و دلش را از لذت و انس با حق محروم می دارد و از مقام والا و شریف تقوا بی نصیب می سازد؛ و سومین اثر و زینانی که مسلمانان از ارتباط با سلاطین جور نصیبشان می شود، آنان را به تحقیر و سرگردانی می افکند تا دنیا و آخرتش به

تباهی گراید و سراسیمه به هرسو شتاب گیرد و چنان در لجن زارهای عفن گناه و ذلت و بی‌خدایی فرو رود که هیچ راه رهایی و نجاتی برایش متصور نباشد و به جهل و حرمان و اندوه لحظات عمر را سپری سازد. روایت دیگری نیز در نهی از مجالست با ستم‌گران از رسول گرامی اسلام (ص) آمده است «چون روز قیامت فرا رسد، منادی بانگ کند: کجایند ستمگران و دستیاران ستمگران یعنی کسی که لایقه‌ای در دوات ایشان گذاشته یا سرکیسه‌ای را برای آنان بسته یا یک بار برای ایشان قلم به دوات زده است همه را با آنان محشور کنید.» لایقه در دوات گذاشتن سرکیسه بستن و قلم به دوات زدن که در این روایت به آن اشاره شده هر کدام نمونه و مصداق بوده و مقصود اصلی نفی هر نوع هم‌کاری با ظلمه چه کوچک و چه بزرگ است از نگاه این روایت کسانی که به طریقی با ستم‌گران پیوند دارند و در امور آنان کمک و مساعدتی روا می‌دارند، اهل معصیت و گناه به شمار می‌روند و عملشان هم چون عمل ظالمان و سلطه‌طلبان نوعی ستم محسوب می‌شود؛ زیرا توان و نیرو به ستم‌گرساندن و یاری و مساعدت او برای گسترش ظلم و جور در زمین شرکت در ستم به بندگان خدا بوده و از همین رو، هم نشینان و یاری رسانندگان به ستم‌گران در گناه بزرگ آنان سهیم و شریک است علت این که در روز واپسین قیامت با آنان محشور می‌شوند و نصیب و بهره‌ای که می‌برند، عذاب رنج‌زای الهی است عمل کرده‌های ناصواب و ضدانسانی خود آنان است پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص)

در روایت سوم درباره نهی از منکر از مجالست و پیوند با سلاطین جور چنین می فرماید: «هر کس که سلطانی را به چیزی خرسند کند که آن چیز مایه خشم خدای متعال است از دین اسلام بیرون رفته است» این روایت از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) چنین رابطه و هم کاری با ستم گران را نکوهش می نماید. آفات و خطرهای ارتباط با ظلمه و یاری رسانی به آنان آن چنان عظیم و مهلک است که به خروج انسان از دین اسلام می انجامد؛ یعنی یاور ستم گران نباید و نمی تواند دیانت را با پیوند و یاری ظالمان جمع کند و چنین بیندازد که می تواند از سویی سلطان ستمگری را خرسند سازد و یاری برساند و دست های جنایت بارش را در انجام فساد و ستم و تعدی به بی گناهان و مظلومان به گرمی بفشرد، و در عین حال سر به سجده بسایند و خداوند قادر متعال را به بزرگی یاد کنند و از درگاهش فلاح و رستگاری بطلبند. هم کاری و مجالست با ظالمان و ستم گران یعنی نفی تعالیم دین و نفی بندگی خدا، با این وصف چگونه می توان حاکمان جور را با زیر پا نهادن احکام و دستورالعمل های الهی که به شدت پیوند با ظلمه را نفی می کنند، اطاعت نمود و در کنار آن اطاعت از خداوند متعال و تسلیم در برابر فرمان های او را مدعی گشت روایاتی که گذشت و نیز روایات فراوان دیگری که در این موضوع وارد شده است مسلمانان را به شدت از نزدیکی به دربار سلاطین جور و یاری و مساعدت آنان نهی می کند و این عمل را از معاصی کبیره و رذایل بزرگ و مهلک می دانند، و در نقطه مقابل

امتناع و خودداری از ظالمان و ستم گران را ارزش بزرگ اخلاقی معرفی می نمایند و بندگان را که در انجام این وظیفه و تکلیف الهی دقت و مراقبت روا می دارند، تمجید می کنند و برترین و با فضیلت ترین افراد امت می نامند.

## خطر عالمان غیر متعهد

### اشاره

عالمان دینی به دلیل جایگاه و نقش خاصی که در جامعه دینی دارند، مشی و رفتارشان تأثیر گذار و تعیین کننده است و سرنوشت توده های مردم با نحوه عمل آنان مرتبط است و همان گونه که سیره و روش نیکو و عملکردهای مثبت و خدا پسندانه ای که از این گروه از بندگان خدا صادر می شود، راه گشا و سازنده و حیات آفرین است حرکات ناصواب و مواضع نامعقول و خلاف شرع آنان زیان آور و موجب رکود دین در جامعه می گردد. چنانچه اگر یکایک عالمان دهر و شهروندان جامعه های اسلامی بتوانند، جایگاه ارزشی امر به معروف و نهی از منکر را در وجودشان ملکه کنند، آن جهانی را مملو از عدالت می یابند که در هیچ لحظه و زمان و مکانی به کسی تعدی و بی حرمتی و حتی ارزش ها را در رفیع ترین دیدگاه دینی و اخلاقی پاس خواهند داشت از عمل کردهای خلاف شرع عالمان دینی نامتعهد، پیوند و ارتباط با حکام و سلاطین جور است این حرکت ناصواب عالمان دینی را از جایگاهی که اسلام به آن اختصاص داده و منزلتی که برای آنان قائل شده تنزل می دهد و به جرگه ستم گران و ظالمانی که بر سر راه دین خدا مانع ایجاد نموده و با احکام و قوانین الهی به ستیز و مبارزه می پردازند، وارد می سازد. در تعالیم اسلام درباره نفی پیوند و یاری عالمان دینی با ستم گران و نهی آنان از

سقوط در دامان ظلم دستورها و خطاب هایی خاص وجود دارد. از حضرت امام جعفر صادق (ع) نقل است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فقیهان تا زمانی که در کار دنیا وارد نشده اند، امانت دار پیامبرانند. گفتند: ای پیامبر خدا (ص). در آمدن آنان به دنیا چگونه است فرمود: پیروی از سلاطین است و چون چنین کردند از آنان بر دین خود بیم ناک باشید». از نگاه این روایت غنودن عالمان نامتعهد در دامان ظلمه و تاسی و پیروی از آنان مصداق کامل دنیاطلبی محسوب می شود. زیرا ستم گران با بهره گیری از جاذبه های مادی که در جلوه و نمودهایی چون مقام و ریاست های باطل شهرت طلبی پول و ثروت های کلان و تجمل گرایی به ظهور می رسند، دام های خود را بر سر راه عالمان ضعیف النفس می گسترند و موجب می گردند که آنان دین به دنیا بفروشند و بر خرمن عبادات خویش آتش جهل بیفکنند و به خسران و زیان بزرگ گرفتار آیند. وقتی عالمان نامتعهد اسیر مطامع سلاطین جور شدند و به مساعدت آنان شتافتند، دین به آفت و خطر مبتلا می گردد. در چنین اوضاعی توده های مسلمان باید از آگاهی و بینش کافی بهره برند، تا بدین وسیله قادر به تشخیص حق از باطل و عمل کردهای صواب از ناصواب باشند و عالمان صالح را از فاسد تمیز و تفکیک دهند و به نفی و طرد کسانی پردازند که با زمین نهادن مسئولیت بزرگ و حیاتی امر به معروف و نهی از منکر که بزرگ ترین بخش آن در مخالفت با ظالمان و فاسدان تجلی می یابد، به ارتباط با ظلمه و توجیه ظلم و ستم آن همت می گمارند. مردمی که با نگاه های نافذ، حرکات و سکنات عالمان دینی را زیر نظر می گیرند

و صالح و فاسد آنان را از هم جدا می کنند و به حمایت عملی از عالمان وارسته و دل سوخته و نستوه می پردازند و عالمان فاسد و نامتعهد را طرد می کنند، به دستورالعمل های صریح اسلام مبنی بر دقت و مراقبت برای گزینش عالمان پاک و مسئول و تطبیق خصال و ویژگی های تعیین شده شرعی با حالات و عمل کردهای عالمان دینی عمل می نمایند و تا زمانی که این مراقبت و بینش و آگاهی از سوی توده های مردم مسلمان رعایت شود، راه های تسلط عالمان نامتعهد هموار نمی گردد و دین از سوی این دین فروشان ظلم پذیر زیان مند نمی شود و جامعه دینی همواره از اندیشه و عمل سازنده عالمان دل سوز و مبارزه بهره می گیرد. رسول مکرم اسلام (ص) در روایتی دیگر یاری و ارتباط عالمان دینی با حکام ستمگر را این گونه به تعریف می پردازند: «هر کس که شغل قضاوت در حکومت ظالم را پذیرا گردد، یا در این کار کمک و مساعدتی به آنان برساند، سپس فرشته مرگ بر او فرود آید، به او می گوید: بشارت باد بر توبه لعنت خدا و آتش دوزخ و آن بد جای گاهی است» اشاره به مسند قضاوت دستگاه های حکومتی ظالم اهمیت خاص این شغل و نقش آن در تولید آفات و مفسد برای جامعه دینی را نشان می دهد؛ زیرا تکیه بر این مسند با تسلط کامل بر جان و مال و ناموس و آبروی مردم همراه است و کسانی که به این مسئولیت اشتغال می ورزند به شکایات و اموری می پردازند که در صورت سیطره تمایلات نفسانی قلم به نفع ظالم و به زیان مظلوم به چرخش و نگارش می اندازند و جان و مال و آبروی مردم را در معرض



خطر و زیان قرار می دهند. اگر عالمان فاسد و نامتعهد بر مسند قضاوت دستگاه های جور تکیه زنند، طبیعی است که در جهت تحقق اهداف و آمال آنان حرکت می کنند و بر اساس ضوابط و معیارهای قضایی ظلمه به قضاوت می پردازند و حقوق توده های مردم را به نفع ستم گران تضییع می نمایند و زمینه ساز فساد و قتل و غارت در جامعه می گردند. واکنش و عکس العمل طبیعی سیره و کنشهای ناصواب و ضدانسانی عالمان نامتعهد در دستگاه های قضایی ظلمه عذاب رنج زای الهی است و از همین رو، به هنگام مرگ فرشتگان آنان را به لعنت خدا و آتش دوزخ بشارت می دهند.

### سه نکته درباره خطر عالمان نامتعهد

در روایات و سخنان ائمه دین به برخی از علما فاسد و غلتیده در آغوش ظلمه اشاره شده و عمل کرد ننگین آنان به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است حضرت امام زین العابدین (ع) به یکی از فقهای دربار بنی ایمه نامه ای می نگارد و او را نکوهش می کند و از قبح و خطر بزرگی که بر عمل او مترتب است تنبه می دهد. این نامه با حکام ستم گر است و به نیکی جنبه های مختلف را از جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، بهره برداری خلاف شرع ظلمه از عالمان فاسد را می نمایاند. لذا حضرت علی بن الحسین (ع) به محمد بن مسلم زهری چنین می نویسد: «پس بنگر فردا که در پیش گاه خدا می ایستی چگونه مردی خواهی بود... گمان مبر که خدا عذر تو را بپذیرد و از تقصیرت درگذرد، هیهات هیهات که چنین نخواهد بود. خداوند در قرآن از علما پیمان گرفته است که دین خدا را بر مردمان آشکار کنند و پنهان ندارند. و بدان که کوچک ترین چیزی که تو پنهان

کرده ای و سبک ترین چیزی که آن را تحمل کرده ای این است که دل نگرانی ستم گر را بدل به آسودگی کرده ای و راه گمراهی را بر او آسان ساخته ای و این کار با نزدیک شدن تو به او و پذیرفتن دعوت او صورت گرفته است از آن می ترسم که فردای قیامت با این گناه در میان خیانت کاران جای داشته باشی و از تو بپرسند از آنچه گرفتی و به ستمکاری ستم گران کمک کردی و بپرسند که چرا چیزی را که حق تو نبود از کسی که به تو بخشید گرفتی و چرا به کسی نزدیک شدی که حق هیچ کس را نمی داد، و چرا در آن هنگام که تو را به خود نزدیک کرد، از باطالی جلوگیری نکردی و چرا با دشمن خدا دوست شدی آیا در آن هنگام که ستم گران تو را برای همکاری فرا خواندند، همچون قطبی قرار ندادند که آسیاب ستمگری خویش را بر گرد آن به گردش درآورند؟ و هم چون پلی نشدی که بر تو می گذشتند و به بلاها و جنایت هایی که بر مردم روا می داشتند دست می یافتند، و هم چون نردبانی برای گمراهی های ایشان نبودی آیا تو فریب کاری های ایشان را توجیه نکردی و گام به گام آنان نرفتی آنان به وسیله تو علما را به شک انداختند، و دل های نادانان را به سوی خود جلب کردند. خصوصی ترین وزیران و نیرومندترین دست یاران ستم گران کاری را که تو برای اصلاح فساد ایشان انجام دادی و به سبب آمد و شد خاص و عام نزد ایشان شدی برای آنان انجام ندادند. آری آنچه به تو بخشیدند، از آنچه از تو گرفتند بسیار کمتر بود، و آنچه برای تو آباد

کردند، در برابر آنچه بر تو خراب کردند بسیار ناچیز بود. به حال خود بنگر که هیچ کس به حال تو نخواهد نگرست و حساب خود را هم چون حساب کسی که مورد سؤال قرار گرفته است رسیدگی کن... بسیار از تو بیم ناکم که تو از آن کسانی باشی که خدا در کتابش در حق ایشان گفته است «از پی ایشان بازماندگانی ماندند که کتاب را به میراث بردند، متاع این دنیا را می گیرند و می گویند که ما آمرزیده می شویم...» تو از موقعیتی که در نزد مردم پیدا کردی و از اعتقاد آنان به تو بهره گرفتی زیرا آنان از رأی تو پیروی می کردند و به فرمان تو به کار برمی خاستند، و اگر چیزی را حلال می کردی آن را حلال می شمردند، و اگر حرام می کردی حرام می دانستند و این برای خود تو نبود، بلکه برای رغبت مردم بود به مقام دنیایی تو، هم چنین رفتن علما از میان ایشان و چیره شدن جهل و نادانی بر تو و بر ایشان ریاست دوستی و دنیاخواهی تو و ایشان.. اکنون از آنچه در آنی دست بکش تا به نیکوکارانی ملحق شوی که در جامه های ژنده خود به خاک سپرده شدند، در حالی که شکم هاشان از گرسنگی و کم خوراکی به پشت هاشان چسبیده بود، و میان آنان و خدا حجاب و پرده ای وجود نداشت و دنیا آنان را نمی فریفت و آنان فریب دنیا را نمی خوردند... اگر دنیا با تو - با این پیری و سالخوردگی و با این مقام علمی با نزدیک بودن اجل چنین بازی کند، جوان کم سال و نادان و سست رأی و کم عقل چگونه می تواند خود را از

آن برهاند. (انا لله و انا اليه راجعون . به چه کسی باید پناه برد؟ و نزد چه کسی باید خشنودی خاطر جست درد دل خویش و غمی را که از تو داریم با خدا می گوئیم و مصیبتی را که از تو به ما رسیده است بر خدا عرضه می داریم ..) هم چنان که پیشتر اشارت رفت این نامه سرشار از نکات و درس های آموزنده است و در عبارات آن به زیبایی آفات و زیان های پیوند و ارتباط عالمان نامتعهد با سلاطین جور نمایانده شده و شدت زشتی این عمل به خوبی چهره نموده است آنچه در ذیل می آید، اشاره هایی است به این نکات عمیق و سرشار از درس و عبرت که به سه نکته از نکات مهم عبرت گیری در عصر مظلومیت ائمه اطهار (ع) از نقش عالمان نامتعهد و وابسته به حکام و سلاطین جور به طور خلاصه ذکر می شود که امامان معصوم (ع) از دست زیان و قلم شان چه خون دل هایی نصیبشان گردید: الف حکام جور، عالمان دینی نامتعهدی را که به دربار آنان راه یافته و سرتسلیم در برابرشان فرود آورده اند، همچون قطبی قرار می دهند که آسیاب ستم کاری خویش را برگرد آن به گردش درمی آورند و بدین ترتیب به هر ظلم و جنایتی که بخواهند دست می آلاینند و دامنه فساد و تباه کاریشان را تا هر کجا که اراده کنند، می گسترانند و هیچ مانعی برای قتل و نهب نامتعهد در دستگاه ظلمه حقیر و کوچک نیست بلکه باید آن را بزرگ تر و خطرناک تر از خود ستم کاران و فساد گستران دانست زیرا به تعبیر حضرت امام سجاد: اینان به قطبی تبدیل می شوند که آسیاب ستم کاری بر گرد آنان به گردش درمی آید؛ یعنی

نقش علمای فاسد در دستگاه جور؛ بنیادی و محوری است بدان گونه که ظالمان و جنایت کاران هر ستم و فساد و جنایتی را به وسیله آنان انجام می دهند و هر مانع بازدارنده ای را با چهره موجهی که عالمان دینی وابسته به خود، در میان توده های مردم پیدا کرده اند، به سهولت مرتفع می سازند و هر فساد و قتل و ستمی را از طریق آنان موجه و روا جلوه می دهند. عالمان وابسته به دستگاه ظلمه پلی مستحکم و مطمئن برای عبور آسان و بی خطر ستم گران محسوب می شوند. پلی که عبور از آن به دست یازی به جان و مال و ناموس و آبروی مردم بی گناه می انجامد و هر مشکل و رنجی را برای تاخت و تاز در عرصه های زندگی مظلومان جامعه مرتفع می نماید و همه راه ها را برای استیلا بر آنان و مکیدن خونشان هموار می سازد. پل در جایی به کار گرفته می شود که بین انسان و هدف او شکاف و فاصله ای عمیق وجود داشته باشد، به گونه ای که هیچ راه عبوری متصور نباشد و هر گونه پیش روی خطر سقوط و نابودی به همراه آورد. در چنین اوضاع نامساعدی تنها راه نجات و وسیله پیش روی و تاخت و تاز، ایجاد پلی مستحکم برای عبور از مهلکه و رساندن نیرو و تجهیزات به آن سوی مانع است طبیعی است که این پل نقش حیاتی دارد، به گونه ای که بود و نبود آن با پیروزی و شکست پیوند و ارتباط می یابد. در دستگاه و دربار سلاطین جور این اوضاع سخت و نفس گیر را عالمان ناصالح و فاسد مرتفع می کنند و با فکر و اندیشه و قلم و بیان خویش پل عبور ستمگران می شوند و

تجهیزات ظلمه را به آن سوی مانع می رسانند و دست های ناپاک آنان را برای هر قتل و غارت و جنایت و فساد باز و گشوده می گذارند. ج عالمان دینی فاسد، نردبان گمراهی های سلاطین جور می گردند و آنان را در شتاب به سوی وادی جهل و تحیر یاری می نمایند. یکی از مصادیق گمراهی حکام ستمگر، محق دانستن خود در انجام قتل و جنایت و فساد است. آنان اولاً خویش را شایسته حکومت و زمامداری می دانند و تسلط بر جان و مال مردم را حق مسلم خود می پندارند، گفتی از ابتدا برای حکومت و پادشاهی و بزرگی فروشی به توده های مردم آفریده شده اند. ثانیاً مردم مظلوم و بی گناه را همواره مقصر و مستحق اختناق و سخت گیری و رعب و وحشت و دست گیری و حبس و قتل می دانند و هر گونه انتقاد و اعتراض و مخالفت از آنان را گناه و جرم نابخشنودی تلقی می نمایند. این حالت شیطانی نتیجه خیانت و عمل کردهای ضد الهی عالمان وابسته به ظلمه است زیرا این عالمان ناشایسته و فاسد با تفسیر و تأویل های خود، مقام و منزلت خیالی و استحقاق حکم رانی و تسلط بر مردم و سرکوبی هر گونه ندای مخالف را به سلاطین جور القاء می کنند و به آنان می باوراند که بر جان و مال و ناموس مردم فرمان راندن حق طبیعی و مسلم سلاطین و پادشاهان است و مخالفت و عناد از جانب توده های مردم اخلال در نظام حکومت و بلوا و آشوب در پیکره مملکت و شایسته سرکوب است بدین ترتیب عالمان فاسد برای شتاب گیری سلاطین جور به سوی گمراهی به نردبانی تبدیل می گردند که به راحتی پله های آن پیموده می شود و هدف های ناصواب و ضد انسانی تحقق

## نقش برجسته آمران به معروف و ناهیان از منکر

چگونه است که فرهنگی به عظمت عاشورا که در رگ و پی همه عاشقان اهل بیت ریشه دوانید و همچون خونی جوشان به مصداق مؤثرترین عامل و انگیزه وقایعی بزرگ مثل انقلاب و هشت سال دفاع مقدس را رقم زده است فقط یک حادثه تاریخی که دربرهه ای از زمان به وقوع پیوسته باشد. عاشورا یک فرهنگ است که عمق تأثیر آن در ذهن و روح تا بدان میزان است که حتی یادآوری اش به تنهایی همواره سبب ساز جوش و خروش در بین مشتاقان آن گردیده است هنگامی که به عظمت عاشورا پی می بریم آن گاه است که رسالت و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر مشخص می شود. در رویکرد به مضامینی که قرار است بازتاب فرهنگ عاشورا را در آن ها شاهد باشیم نقش متولیان فرهنگ آمران به معروف و ناهیان به منکر بسیار حساس و در خور احترام و عزت و افتخار آحاد ملت شریف مسلمانانست چرا که تا باور و ایمانی قلبی برای پذیرش چنین فرهنگی نباشد، تلاش برای بازنمایی آن تلاش عبث بوده و قطعاً نتیجه ای نامعقول در پی خواهد داشت تلفیق شدن باورها و تعهد و وظیفه مندی صادقانه مسئولان و آمران و ناهیان نسبت به مقوله فرهنگ عاشورا به همراه تلاش دل سوزانه است که می تواند به پیدایی فرهنگی پویا و گسترش عدل متناسب و در حد حماسه ای بزرگ چون عاشورا و نهضت حسینی (ع) در کربلا- بینجامد. مادامی که این سه عامل مسئولان آمران و ناهیان در کنار هم قرار نداشته باشند، به نتیجه ای رضایت بخش که در شأن مقام سردار شهیدان کربلا حضرت امام حسین (ع) و دیگر یاران حماسه سازش باشد، نخواهیم رسید و تکثیر چنین

فرهنگ والایی در تار و پود جان و دل به درستی میسور نخواهد شد. در بازنمایی حماسه کربلا و فرهنگ عاشوراییان هر گونه تساهل و تسامح باعث از بین رفتن حقایق و تقدس این حرکت عظیم تاریخی خواهد شد و تا هر زمان و مکانی که از عاشورا و نهضت حسینی (ع) به فراتر از یک اتفاق تاریخی و به منزله یک جریان سیال بزرگ فرهنگی نرسیم نمی توانیم حق مطلب و جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر را به درستی ادا کنیم در اوضاع امروزه جامعه کنونی لازم است تأثیرهای فرهنگ عاشورا را به منزله حرکتی پویا و توقف ناپذیر، در اعتقادات مرام و زندگی آدمیان کشف کرد و با چنین جایگاه ارزشمندی که آمران به معروف و ناهیان از منکر در دل ها ایجاد می کنند، می توان فرهنگ عاشورا و نهضت حسینی را فقط بازنمایی مقطعی از تاریخ دید که در روز عاشورا به شهادت اباعبدالله الحسین (ع) و یارانش می انجامد. چرا که شهادت سیدالشهدا (ع) که از پس اعتقادات و باورهای سترگ و الهی در روز عاشورا به وقوع می پیوندد، در واقع آغاز حرکت کاروان عاشوراییان برای نشر و گسترش فرهنگ شهادت و ایثار است در کجای جهان می توان به فرهنگی این چنین برخورد کرد که فلسفه اش نه برپایه حرف و کلام که توأمان با حرکت و جوشش باشد؟ حرکتی که پس از سالیان سال هنوز هم ادامه دارد و تا قرن ها، پویاترین حرکت در جان های عاشق ادامه خواهد یافت اگر باور کنیم که عاشورا چیزی به جز یاد و خاطره ای از شهادت امام حسین (ع) که می بایست هر ساله در رثایش گریست



نیست باید اذعان کنیم که در دریافت و فهم عمیق و کنه کردار و عمل عاشوراییان در مانده ایم و هیچ گاه نخواهیم توانست از این جنبش به فریافتی حقیقی از علت وجودیش دست یابیم از خاطرها دور نسازیم که مصداق کامل عنصر امر به معروف و نهی از منکر جزئی از پایه و بنیاد و اساس سازماندهی واقعه بلند عاشورا و ماندنی ترین سرفصل دین مبین اسلام عزیز بوده و خواهد بود و اگر عاشورا نبود نه آمرانی پا به عرصه وجود می گذاشتند و نه ناهیان که هر لحظه مفسدان و ستم گران را تا حد شهادت از جور و ظلم نهی کنند، و چنانچه اگر سند کلام گهربار ابا عبدالله (ع) در مورد نهی از منکر نبود که برای اصلاح دین جدش پیا خواسته نه از عاشورا نامی می ماند و نه از کربلا و نه از حسین (ع) و نه از اسیری اهل بیت (ع)، تا تاریخ اسلام هم چون درّی بدرخشد.

### **عزت ما در گرو نهضت حسینی**

همه دینی از عاشورا و نهضت حسینی (ع) دارند که به مثابه توان و تلاش خود موظفند که این دین را ادا کنند. تا باور و ایمان قلبی برای آمران و ناهیان حاصل نشود و تلفیق درستی از باور و شناخت دینی با تخصص صورت نگیرد، چیزی که به دست می آید به جز شمایی ناقص والکن از این عظمت فرهنگی نخواهد بود و به اهداف مورد نظر نخواهیم رسید، و به جز تخدیر ذهن و روح مردم هدفی را دنبال نکرده ایم اما اکنون که نزدیک به سه دهه از انقلاب شکوه مند مردم ایران اسلامی می گذرد، هشت سال خون دل خوردن در دفاع مقدس و پیروزی اسلام عزیز را ملت شریف به رهبری پیامبر گونه خمینی

عزیز؛ و سپس فرزند خلف و بزرگوارش حضرت امام سید علی خامنه ای (حفظه الله) تجربه کرده اند، می بایست که در برنامه سازی بر اساس عاشورا تجدید نظر و بازنگری کرد. این که در طی ده محرم و روزهای تاسوعا و عاشورا بخواهیم به احیای این فرهنگ پردازیم مسلماً به نتیجه ای در خور نخواهیم رسید. فلسفه وجودی عاشورا بسیار عظیم تر از این است که با چنین روش هایی بخواهیم آن را به مثابه یک حرکت کاملاً انقلابی و مذهبی به مردم بشناسانیم فلسفه عاشورا از نقطه ای در تاریخ آغاز می شود و هم چنان ادامه می یابد. به صرف این که به ظاهر تاریخی آن پردازیم کمکی به پیش آگاهی های مخاطب نخواهیم کرد. می بایست تأثیرات این حرکت را در دل و جان مردم جستجو کرد و هم چون خصوصیتی که به گونه ای هم زاد مردم شده از آن یاد کرد؛ چرا که نه تنها عصر کنونی بلکه تمامی اعصار و زمان ها و مکان ها همه وام دار عاشورا و نهضت حسینی (ع) در کربلایم

### **امام حسین مدافع بزرگ امر به معروف و نهی از منکر**

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا و نهضت حسینی (ع) یکی از محوری ترین تعالیم پیشوای بزرگ شهیدان در از خود گذشتگی و ایثار تمام هستی به خالقش در فلسفه شهادت و آن هم در احیای سنت جدش و در بطن اسلام عزیز است و تشیع بر حول این محور اساسی با ظلمه و حکام جور برخورد نمود و در این مبارزه قوام گرفت این جایگاه رفیع بهترین محمل برای استمرار آیین وحی و تجلی بخشیدن به میراث الهی رسول گرامی اسلام (ص) در گذرگاه تاریخ انسان ها است امر به معروف و نهی از منکر در وجود امامت و ولایت از آن جهت

بهترین و مناسب ترین محل استمرار آیین محمّدی (ص) است که خداوند خط صعود را به آسمان ها و ملکوت اعلی برای مسلمانان تعیین و معرفی و ترسیم نموده است و رسول اکرم (ص) در واپسین سال حیات خویش به هنگامی که از حجه الوداع باز می گشت به دستور خداوند بزرگ پیروی از امامت و ولایت را بهترین راه استمرار آیین سعادت بخش امر به معروف خویش اعلام کرد و بعد از خویش به جانشینانش که از آل الله و همان ائمه اطهار: بوده اند، سفارش نمود که هرگز لحظه ای از ترویج معروف ها و جلوگیری از منکرها چشم بر ندارند، حتی اگر به شهادت که فوز عظیم یک انسان زمینی است منجر شود. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از نعمات بزرگ حضرت احدیت به مسلمانان با خاتم پیامبران رسول مکرم اسلام (ص) استمرار یافت و تمامی امامان (ع) یکی پس از دیگری برای امر به معروف و نهی از منکر از سوی خدا منصوب و در خط رسالت قیام کردند و همگی تا یازدهمین امام (ع) یکی پس از دیگری جام شهادت را از دست پست ترین مروّجان منکرات در طول عمر شریفشان نوشیدند. پس از آن که امامت و ولایت از جایگاه رفیع ترین معروف ها در مقابل پست ترین منکرها ایستادگی نمود و بستر راستین حرکت و بالندگی اسلام تعیین شد و وظیفه هدایت جامعه اسلامی به امامان منصوب از سوی خدا سپرده شد، هر یک از امامان خاندان عصمت و طهارت در زمان خویش تلاش کردند، حافظ جایگاه بلند امر به معروف و نهی از منکر باشند و برای نگهبانی از خط امامت و ولایت و انجام دادن تکلیفی که خداوند در هدایت و نگهبانی

از دین بر عهده آنان نهاده بود، اقدام کنند. از نظر ائمه بزرگوار دین ارزش نهادن به معروف ها، سنگ زیر بنای اسلام و از ارکان محوری دین خدا، امر به معروف و نهی از منکر در جامعه های بشری است و اهمیت آن به حدی است که همه شئون دیگر دین نیز از آن متأثرند. از نظر معصومان بسیاری از تعالیم و احکام عبادات در پرتو امر به معروف و نهی از منکر به همراه ولایت و امامت مفهوم و ارزش می یابند و حیات دینی مسلمانان با محور بودن صحیح این اصل تجلی پیدا می کند، و اگر رفتار دینی مسلمانان پیرامون این محور نباشد، حیات و رفتار دینی در مفهوم واقعی خویش متجلی نمی شود و ارزش مورد نظر خداوند را به دست نمی آورد. اهمیت بنیادین آمران به معروف و ناهیان از منکر، در تحقق شئون همه جانبه اسلام سبب شد که ائمه بزرگوار دین بر استمرار خط معروف ها بکوشند و با تعرض به آن در هر اوضاعی مقابله کنند. پس از رسول خدا (ص) سراسر تاریخ صدر اسلام عرصه مقابله امامان با تعرضاتی است که به ساحت معروف ها شده است و هر یک از امامان بزرگوار شیعه به اقتضای اوضاعی که بر روزگارشان حاکم بود، در تعرض به ساحت معروف ها ایستادند، تا از شریعت محمّدی (ص) پاسداری کنند. دوره حاکمیت معاویه و پسرش یزید، از جهت تعرض به بزرگ ترین معروف ها، از فاجعه آمیزترین دوره های اسلام است در این جاست که این دوره سخت و جان فرسا دوره شکستن حریم اهل بیت عصمت و طهارت و هولناک ترین منکر در جامعه تحت سلطه امویان بود. آنان همه امکانات تبلیغی و فرهنگی خویش را در جهت تعرض

به ساحت اهل بیت به کار گرفتند. نتیجه شیوع این منکر فاجعه آمیز این شد که سرانجام در عاشورای ۶۱ هجری اهل بیت عصمت و طهارت با فجیع ترین وضع قتل عام شدند و جامعه آن روز، حساسیت جالب توجهی به هنگام وقوع این حادثه نشان نداد و آل الله که از مقدس ترین و پاک ترین ناموس خلقت بودند به شهادت رسیدند و یا به اسارت گرفته شدند. بی توجهی به حقوق اهل بیت و هتک حرمت خاندان عصمت و طهارت در اوج قدرت معاویه و فرزندش یزید به بدترین شکل رخ نمود و منکر عظیمی شد که سیمای جامعه آن روزگار را سیاه و غم آلود کرد. به هر تقدیر، در دوره امامت سیدالشهدا (ع) جامعه سیاسی و طبقه حاکم و هواداران و پیروان آنان سبب عظیم ترین منکر تاریخ اسلام بودند و جفا به اهل بیت را به اوج رساندند. اباعبدالله الحسین (ع) به منظور پالایش جامعه اسلامی از این منکر عظیم شجاعانه به پا خاست و برای تغییر اوضاع و تطهیر جامعه و دین از لوث منکرات خون خود و جمعی از بهترین اهل بیت و یارانش را در این راه نثار کرد و امروز بر یکایک مامسلمانانست که از ارزش های معروف که میراث ائمه اطهار: بر جان و دل ما به یادگار مانده است محافظت و پاسداری کنیم و در مقابل منکرات و ترویج کنندگان ایستادگی و از بدن های متعهد خود؛ همچون کیسه های شن سدی عظیم در برابر مهاجمان داخلی و خارجی بنا کنیم و به همراه یوسف زهرا (س) کفن بر تن و نیام حیدر کرار بر کف و بااستعانت از کلام خدا قرآن عظیم الشأن قائماً و دائماً در انتظار فرج ظهورش به درگاه خالق یگانه دعا بریم و هر

دم ندبه کنیم و بخواهیم ای قادر متعال تو را به آبروی زهرای مرضیه س و تو را به عزت و افتخار پیشوای شهیدان کربلا (ع) و تو را به جگر پاره پاره امام حسن مجتبی (ع) و به قد خمیده زینب کبری (س) و به دست های مطهر و از بدن جدای عمویش باب الحوایج ابوالفضل العباس (ع) فرج ظهور مولایمان و سرور و سالارمان را هرچه سریع تر نزدیک بفرما تا انتقام خون های پاک عزیزان کربلا و ائمه اطهار (ع) را حتی از نواده های ناپاک امروزیشان که جهان معاصر را به خاک و خون کشیافته اند، بگیریم و ان شاء الله در کنار آن یار سفرکرده جام ظهور شهادت را بنوشیم و در شمیم عطر آگین رضوان خلد برین الهی هم چون پرنده ای به پرواز در آییم (یا ایها الذین امنوا اذا لقیتم الذین کفروا زحفاً فلا تولّوهم الادبار).

## نتیجه گیری

همان طور که در فصل های مختلف مقاله بارها به جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا پرداخته شد. و امروز همه ما مسلمانان جهان و به خصوص شیعیان واقفیم که در نهضت حسینی پشتوانه مستحکم جایگاه بلند امر به معروف و نهی از منکر بوده و خواهد ماند. همین عنصر عظیم حمایت از آمران و ناهیان پیشوای شهیدان حسین بن علی (ع) برای به کرسی نشاندن نام عزیز امر به معروف و نهی از منکر بود؛ تا جایی که از خون خویش و بهترین یاران و فرزندان گذشت اگر حسین بن علی (ع) انجام هر عمل و وظایف و تکالیف دینی را پیاده کردن امر به معروف و نهی از منکر در آن جوامع می داند. این است که همین امر

به معروف ها و نهی از منکرهای دینی بود که منجر به حادثه مظلومانه عاشورا و سپس به شهادت امام حسین (ع) و یارانش در یک نیمه روز رخ نمود و سپس به ظاهر غروب نمود، اما غروبی که صدها و هزاران میلیون خورشید تابنده عاشورایی دیگر را به منصفه ظهور رساند تا هرنهضت و انقلابی با همین عنصر امر به معروف و نهی از منکر نضج گیرد و فیروزی آن راحتی سازد. حسین بن علی (ع) آن چنان عزت و افتخاری در کربلا به نمایش گذاشت که در اولین قدم با بدعت ها و مشخصه های بارز علمای نامتعهد و زدودن آفات خطرناک ارتباط با حکام جور و سلاطین نه تنها هشدار داده بود بلکه با ۲ تن از یاران وفادارش در کربلا جنگید و واقعه زیبای عاشورا را مجسم تمام ادیان الهی ساخت حسین بن علی (ع) در خطبه پرشور خود در کتاب تاریخ عاشورا و در صفحات ۶۱، ۶۲، ۶۰ - ۵ از عالمان نامتعهد و وابسته به دستگاه های جور و از ارتباط با آنان انتقاد کرد و به نصایح پرداخت و حتی این گونه عالمان توجیه گران را پله های مستحکم و قابل اطمینان و بی خطر ستم گران می نامد و به جهان اسلام هشدار بلندی با ندای رسایش داد که از نقش این گونه علما در طول حیات عبرت گیرید تا به دامان ستم جباران و حکام جور و سلاطین وارد نشوید. اباعبدالله الحسین (ع) با علمای دستگاه های ستم از جایگاه رفیع امر به معروف ها و نهی از منکرها با ادله و بینه سخن گفت و تصاویر روشن آمران به معروف و ناهیان از منکر را چنان نشان داد که امروز در جای جای کشورهای مسلمان و

متعهدی چون ایران اسلامی نشان تابناکی از عزت و افتخار قیام عاشورا و نهضت حسینی اش (ع) مّواج است و ما نه تنها ایرانیان مسلمان بلکه جهان مسلمان در این قرن وام دار عاشورا و عزت و افتخار نهضت حسین (ع) هستیم پیشوای بزرگ شهیدان (ع) از حماسه عاشورا و نهضت حسینی اش از جایگاه بلند امر به معروف و نهی از منکر، روضه و رضوان هایی از ارزش ها را بر روی بشر گشود و سرداران بزرگی چون عباس بن علی (ع) در آن عظمتی جاودانه یافتند. عاشورا و نهضت حسینی در صحرای تف دانشگاهی شد که بعد از هزار و اندی سال با همت بزرگ مردی از سلاله رسول خدا (ص) ملت بزرگ ایران را در نهضت بی نظیر بر کفر و شرک و استکبار جهانی پیروز کرد و صدها هزار جوان پرشور را راهی جبهه های نور، شرف معرفت و کمال کرد تا یک شبه ره هزار ساله حسین (ع) و یاران با وفایش را ببیناید و امروز تعمیق معرفت و شناخت نسبت به عاشورا و الگوهای بزرگ آن نیاز حیاتی ملتی است که مصمم شده مردانه در کربلای زمان با حضوری بی وقفه ادامه دهنده راه و مرام حسین (ع) که خود بزرگ ترین مدافع جایگاه امر به معروف و نهی از منکر است باشند. پیروزی مردان خدا از همان زمان که سر بر آستان تعبد الهی از جمله به جایگاه رفیع و ارزشمند امر به معروف و نهی از منکر می ساینند، آغاز می شود، کسب رضای الهی اولین و آخرین ظاهر و باطن فتح الفتوح است و امروز هم در قرن ۲۰۰۲ در اوج شکوفایی تکنولوژی برای مردان خدا چیزی مهم تر از تحصیل رضایت خداوند



عالم وجود ندارد، و بالا-ترین روش برای قرب خدا ارزش نهادن به جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر است و آمران معروف ها در عمق تاریخ جاودانه می مانند، همان گونه که ناهیان از منکر بیرق سرخ حسینی (ع) را بر دوش نهادند و سر تسلیم از خدای مهربان بر نتافتند. و همه آمران به معروف و ناهیان از منکر در همه دوران ها همواره پیروزند تا سجده خضوع در مقابل فرمان های پروردگار خویش را نشکنند و دل به غیر جانان نسپارند. سیدالشهدا (ع) در قسمتی از وصیت نامه خویش به صراحت می نویسد: «و اسیر بسیره جدی و اَبی علی بن اَبی طالب می خواهم با عمل به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن اَبی طالب (ع) به اصلاح امت پردازم» از این قسمت وصیت نامه حضرت (ع) که پس از اشاره به انگیزه امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود، درمی یابیم که در حقیقت از نتایج عملی امر به معروف و نهی از منکر که بزرگ ترین جلوه آن مبارزه مسلحانه با یزید و ساقط کردن دستگاه حکومتی او بوده به دست گرفتن قدرت و تشکیل حکومت اسلامی و امامت و خلافت بر اساس سیره و روش پیامبر (ص) است پیشوای شهیدان عاشورا (ع) هم چنان که اسلام ناب محمدی (ص) را در برابر اسلام بنی امیه مطرح می کند، رهبری و خلافت خود را نیز بر اساس سیره و روش جدّ و پدرش در برابر رهبری یزید مطرح می نماید و بدین وسیله تنها راه نجات جامعه خفته و منحرف و منحط آن روز را احیای اسلام ناب و رهبری الهی آن می داند. راه حسین (ع)، نه یک حرکت مقطعی و یک تاکتیک موقت که یک اصل ثابت و الگوی

تمام و کامل برای همه اعصار و زمان ها است چرا که همواره در طول تاریخ اسلام ناب محمدی (ص) در معرض تهاجم و تعرض است یکی از روش ها و ابزارهای بسیار مؤثر و کارآمد برای مقابله با آیین حیات بخش ساختن و پروراندن و گستردن اسلام منطبق با مطامع و سیاست های قدرت های ضد اسلام است در عصر ما تقابل اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام آمریکایی دنباله همان راهی است که در دوران زندگی و مبارزه های حضرت اباعبدالله (ع) به ظهور رسید. اگر چه اوضاع دوران ما و میزان بیداری و آگاهی و رشد دینی مسلمانان این عصر با عصر سیدالشهدا (ع) مقایسه شدنی نیست لکن تردیدی نیست که نشر و تبلیغ اسلام آمریکایی که چهره نو اسلام بنی امیه است هم چنان با قدرت و توان در جهان اسلام تداوم می یابد و همه انرژی و امکانات دنیای استکبار برای مقابله با اسلام ناب محمدی (ص) که حضرت امام خمینی پرچم دار بزرگ آن بود، بسیج شده است طبیعی است که امروزه راه سیدالشهدا (ع) در مقابله پایدار با اسلام آمریکایی خلاصه می گردد و پیروان راستین امام حسین (ع) کسانی هستند که با بینش و آگاهی کامل و احساس مسئولیت شدید، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی (ص) و رهبری صحیح و منطبق با سیره و روش پیامبر و ائمه می پردازند و بر آن اصرار می ورزند. ولکن همه معتقدیم که سوختن تنها راه علاج برکندن هجمه های استکباری نیست چاره ای باید اندیشید. باید برای رهایی نسل جوان از این فتنه ها و شبهات راهی یافت راه علاج در این است که اگر همه دل های سوخته با امر به معروف و نهی از منکر به

هم بیوندند، هیچ نیرنگی کارساز نیست و یاد سیدالشهدا (ع) هم همه نسل ها را از گناه می رهاوند. و این رهایی در یک ظرف محدود، خلاصه نمی شود، و در هر زمانی حسین (ع) مشکل گشاست پس بیاییم ما هم از مکتب حسین (ع) الهام بگیریم هم خود را بیمه کنیم و هم نسل امروز و فردا را از خطرها مصون بداریم

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

